



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حدیث

آية الله العظمى
مقام علي بن أبي طالب

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان علیؑ

در حدیث

آية الله العظمى صاحب كتابنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	سخن مترجم
۲۲	مقدمه مؤلف
۳۲	۲- علی علیه السلام هادی امت
۳۴	۳- ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۸	۴- علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۹	۵- یاد علی علیه السلام عبادت است
۴۰	۶- پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه اند
۴۱	۷- کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن
۴۲	۸- من به درختی مانم که...
۴۳	۹- علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان
۴۴	۱۰- افتخار به علی علیه السلام
۴۵	۱۱- بشارت به علی علیه السلام
۴۶	۱۲- جواز عبور از صراط
۴۷	۱۳- همراه با پیامبر در بهشت
۴۹	۱۵- بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه السلام را دارد
۵۰	۱۶- حق امام علی علیه السلام بر عهده مسلمانان
۵۱	۱۷- محبت امام علی علیه السلام، نابودکننده گناهان
۵۲	۱۸- دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش
۵۳	۱۹- محبت امام علی علیه السلام عمل صالح است
۵۴	۲۰- امام علی علیه السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

- ۵۶ ۲۱- محبوب ترین مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۵۸ ۲۲- کامروایان رستاخیز
- ۵۹ ۲۳- محرم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۰ ۲۴- بهترین راستگویان (صدیق اعظم)
- ۶۲ ۲۵- حامل لوای حمد
- ۶۴ ۲۶- منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۵ ۲۷- همانند هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام
- ۶۷ ۲۸- عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۸ ۲۹- چون ستاره صبح می درخشد
- ۶۹ ۳۰- علی علیه السلام در آموزش الهی
- ۷۰ ۳۱- تقسیم گر آتش دوزخ
- ۷۱ ۳۲- نخستین گروه بهشتی
- ۷۲ ۳۳- خدایا! دوستش بدار
- ۷۴ ۳۴- پیشوای اهل تقوا
- ۷۶ ۳۵- علی علیه السلام در بهشت
- ۷۷ ۳۶- سهم علی علیه السلام از حکمت الهی
- ۷۸ ۳۷- علی علیه السلام و قرآن
- ۷۹ ۳۸- معیار ایمان و نفاق
- ۸۰ ۳۹- پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند
- ۸۲ ۴۰- نامیده شدن علی علیه السلام به امیر مؤمنان
- ۸۴ ۴۱- برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی
- ۸۵ ۴۲- عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اثری ندارد
- ۸۶ ۴۳- پیام رسان برائت
- ۸۷ ۴۴- سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت پذیری
- ۸۹ ۴۵- علی علیه السلام کفو (همتای) فاطمه سلام الله علیها
- ۹۰ ۴۶- اگر در دل همه، مهر علی علیه السلام بود

- ۴۷- علی علیه السلام جدا کننده بین حق و باطل ۹۱
- ۴۸- ارزش مبارزه علی علیه السلام ۹۲
- ۴۹- دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است ۹۳
- ۵۰- سزای توهین به علی علیه السلام ۹۵
- ۵۱- نام علی علیه السلام بر سر در بهشت ۹۷
- ۵۲- علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است ۹۸
- ۵۳- نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است ۹۹
- ۵۴- افضل امامان علیهم السلام ۱۰۱
- ۵۵- حدیث جواز ۱۰۲
- ۵۶- اسلام و ایمان علی علیه السلام ۱۰۴
- ۵۷- مواسات امام علی علیه السلام ۱۰۵
- ۵۸- امارت امیر مؤمنان علیه السلام ۱۰۶
- ۵۹- دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله است ۱۰۷
- ۶۰- دور ساختن منافقان از حوض کوثر ۱۰۸
- ۶۱- راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است ۱۱۰
- ۶۲- هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام ۱۱۱
- ۶۳- آزدن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است ۱۱۲
- ۶۴- همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید ۱۱۴
- ۶۵- پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر دو سرا ۱۱۵
- ۶۶- قاتل علی علیه السلام، تیره بخت ترین امت ۱۱۷
- ۶۷- زینت علی علیه السلام ۱۱۹
- ۶۸- صاحب حوض کوثر ۱۲۱
- ۶۹- نخستین مسلمان ۱۲۲
- ۷۰- علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۲۴
- ۷۱- برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۲۶
- ۷۲- راه علی علیه السلام حق است ۱۲۸

- ۷۳- کینه های پنهان ۱۳۰
- ۷۴- پدرم فدای شهید تنها! ۱۳۲
- ۷۵- هم درجه پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۳۳
- ۷۶- پرسش در قیامت ۱۳۴
- ۷۷- دوست علی علیه السلام مؤمن و دشمنش منافق است ۱۳۶
- ۷۸- به دوستی علی علیه السلام فرزندانان را بشناسید ۱۳۸
- ۷۹- راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۴۰
- ۸۰- بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام ۱۴۲
- ۸۱- توصیه درباره علی علیه السلام ۱۴۴
- ۸۲- خداوند، دل علیعلیه السلام را به ایمان آزموده است ۱۴۶
- ۸۳- علم علی علیه السلام ۱۴۸
- ۸۴- حکمت امام علی علیه السلام ۱۴۹
- ۸۵- رسول خداصلی الله علیه و آله در مبارزه است با دشمن علیعلیه السلام ۱۵۰
- ۸۶- اولین از اولوا الامر ۱۵۲
- ۸۷- وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۵۴
- ۸۸- پیشی گیرندگان ۱۵۵
- ۸۹- برترین انسان ها ۱۵۶
- ۹۰- بهترین انسان ۱۵۷
- ۹۱- نخستین مسلمان ۱۵۸
- ۹۲- هم نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت ۱۵۹
- ۹۳- اطاعت علیعلیه السلام، اطاعت پیامبرصلی الله علیه و آله ۱۶۰
- ۹۴- خصال سه گانه ۱۶۱
- ۹۵- حدیث کساء ۱۶۳
- ۹۶- علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند ۱۶۵
- ۹۷- فضائل ویژه علی علیه السلام ۱۶۶
- ۹۸- خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۶۸

- ۹۹- معلم و مربی امام علی علیه السلام ۱۶۹
- ۱۰۰- قرین قرآن ۱۷۰
- ۱۰۱- امام علی علیه السلام بهترین امت ۱۷۲
- ۱۰۲- سرانجام ما و شیعیان ۱۷۳
- ۱۰۳- خدا با علی علیه السلام راز گفت ۱۷۴
- ۱۰۴- مهرورزی به امام علی علیه السلام ۱۷۵
- ۱۰۵- همانند انبیا علیهم السلام ۱۷۶
- ۱۰۶- جوان مردی جز علی علیه السلام نیست ۱۷۷
- ۱۰۷- امام اولیای خدا ۱۷۸
- ۱۰۸- امیر نیکوکاران ۱۷۹
- ۱۰۹- پیروان علی علیه السلام ۱۸۰
- ۱۱۰- خداوند او را بیشتر دوست دارد ۱۸۱
- فهرست منابع ۱۸۳
- درباره مرکز ۱۹۰

پرتویی از فضایل امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور: پرتویی از فضایل امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث / لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۷۹ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۳۱۸-۰.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل -- احادیث

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۳۷/۴/ص ۱۵۶ پ ۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۰۴۳۱

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

و اياه نستعين

گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که برتر از وصف، بالاتر از اندیشه و بالاتر از جوهر کلام است و فضایل و مناقب ارزنده اش به قدری زیاد و فراوان است که قابل احصاء و احاطه نیست، کاری بسی دشوار، بلکه بدون هدایت خداوند سبحان غیر ممکن است.

در حدیثی از پیامبر اقدس صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

ای علی! جز خدا و من کسی تو را آن سان که شایسته است، نشناخت. (۱)

ابعاد مختلف و به ظاهر متضاد وجود ذی جود آن حضرت را کسی می تواند درک و توصیف کند که از او بالاتر باشد یا همتای او. و به مصداق کلام معروف: «معرف باید اجلی از معرف باشد» چه می تواند بگوید انسان ملکی درباره انسانی ملکوتی که «فضائلش به شماره نمی آید»؟ (۲) و بنابراین فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله «اگر جنگل ها همه قلم و دریاها همه مرکب و پریان شمارشگر و انسان ها نگارگر شوند، نمی توانند

ص: ۹

۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۴.

۲- فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹؛ کفایه الطالب، ج ۱، ص ۱۸.

از این رو، بی تردید بهترین و مستندترین منبع برای شناخت علی علیه السلام، قرآن مجید و سخنان نغز و شیرین رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

با توجه به آنچه گفته شد بسیاری از نویسندگان بهتر آن دیده اند که سیمای درخشانده امیر مؤمنان علیه السلام را در آینه احادیث نبوی به نظاره بنشینند و بنگرند معلم و مربی امیر مؤمنان علیه السلام آن حضرت را چگونه معرفی و توصیف می کند.

یکی از عالمان برجسته که بیان فضائل، ویژگی ها و برجستگی های امام امیر المؤمنین علی رآمدنظر داشته و به بازشماری قطره ای از دریای بیکران فضائل امام علیه السلام از لسان گهربار نبی مکرم صلی الله علیه و آله از کتب و منابع عامه پرداخته است، آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظلّه الوارف است.

چرا این کتاب را ترجمه کردیم؟

چون ترجمه این گونه کتاب های پر ارج برای شیعیانی که نمی توانند از منابع عربی استفاده کنند، سود بخش خواهد بود. زیرا مایه استواری ساختارهای اعتقادی و داد و اعتماد آنان شده و به جانشان نورانیت و به دلشان صفا و به اندیشه شان روشنایی و به خود آنان آگاهی می بخشد، صاحب این قلم از سر عشق و ارادتی که به سرور پرهیزکاران و امیرجان مؤمنان

ص: ۱۰

داشت، و بر حسب وظیفه، با استمداد از عنایت ایزدی به ترجمه آن پرداخت تا آن عده از برادران و خواهران ایمانی که بهره کافی از زبان عربی ندارند از این کتاب ارزشمند بی نصیب نمانند.

کاری که ما در این اثر انجام داده ایم

علاوه بر ترجمه، برای احادیث کتاب، تیترا گذاشته و فهرست منابع را به طور مستقل در پایان کتاب افزودیم. در موارد معدودی توضیحاتی را در متن یا پانوش، داخل آورده ایم.

امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه با عظمت حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقبول افتد و مؤلف محترم، مترجم و ناشر مشمول رحمت بیکران حق تعالی و عنایات خاصه ولی او قرار گیرند. بمنه و کرمه.

قم / آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله

ناصر باقری بیدهندی

ص: ۱۱

بنام خداوند بخشنده مهوررز

وَ مَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحِ مَنْ أَتَتْ

مَدَائِحُهُ الْغَرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ

چه می توان گفت در مدح شخصیتی که مدح و منقبت بلندش در قرآن کریم آمده است.

سکوت معنی دار فصحا و بلغا و علما و حکما و عرفا و اولیاء از ذکر مناقب امام امیر المؤمنین علیه السلام - برادر رسول خدا، همسر فاطمه زهرا، داناترین مردم، کسی که در خداشناسی و عبادت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین شخصیت است - گویاتر از مدیحت سرایی و ذکر فضائل و مناقب و مراتب رفیع و مقامات والا و حضور شکوهمند او در صحنه های مختلف و معجزات آشکار و عجائب زندگی اوست.

از این رو اعتراف به عجز در پیشگاه مقدس و با عظمت آن حضرت برای همگان بهتر است. سیروری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطابی درباره اش فرمود: «اگر انسان ها نویسنده و پریان حسابگر شوند، نمی توانند فضائلت را بنگارند.»

امیر المؤمنین علیه السلام شخصیتی است که خداوند متعال فضائلی غیر قابل شمارش برایش قرار داد. فرزانه ای که پروردگار سبحان در شب معراج با پیامبرش با صدای دلربای

حضرت علی علیه السلام تکلم کرد. (۱)

همو که بعضی اصحاب در فراوانی فضائلش گفته اند: «علی سوابق درخشانی دارد که اگر سابقه ای از آن را بین همه آفریدگان توزیع کنند همه به خیر می رسند.» (۲)

آن حضرت، بزرگترین نشانه خدای متعال و علم و قدرت و سائر صفات برجسته اوست و در عالم امکان مانند‌ی جز پسر عمش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندارد. همو که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حامی بی نظیر او بود. آن سرور اسوهٔ جانفشانی و در نصرت حق و اقامهٔ عدل، یگانه و در اعلاء کلمه الله فوق العاده بود. با ضعفاً ترحم و با فقراً مواساتی عظیم داشت. از خدای متعال خوفی فراوان بر دل داشت. و افصح و ابلغ همگان بود و در خوراک و پوشاک و در تمامی احوال و افعال با عظمت بود.

بلند مرتبه است خدای علی مرتبهٔ عظیم، آفرینندهٔ چنین انسانی و ودیعت گذارنده این عظمت ها و کمالات در این آفریننده.

بزرگ است خدایی که چنین انسانی در مقابل عظمتش کُرنش می کند و در مقابل جلال و جبروت و سلطنتش خود را کوچک می داند و از کبریایی اش خائف و ترسان است و در مقابل ذات پاکش به عجز و فقر اعتراف دارد. و اوست کسی که گفت:

ص: ۱۴

۱- [المناقب خوارزمی، ص ۳۷؛ المقتل، ۴۲؛ طبع نجف، ینابیع الموده، ص ۸۲.]

۲- اسد الغابه، ۴، ص ۲۳.

إلهي كفي لي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَ كُفِيَ لِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا

خدای من همین عزت مرا بس که بنده تو باشم و برای من افتخار همین بس که تو خدای منی.

اوست ممسوس در ذات حق، و بسیار گریان از خشیت الهی و مجاهد در راه خدا. اوست صراط مستقیم و عروه الوثقی و حبل الله متین، و میزان اعمال، و تقسیم گز بهشت و دوزخ، و دست باز خداوندی و دیده بینای حق و حجت بالغه اش.

حضرت امیر علیه السلام در نامه ای که به معاویه نوشت فرمود:

فَأَنَا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا

ما ساخته و تربیت یافته مستقیم پروردگاریم و مردم تربیت شده ما هستند.

ابن ابی الحدید در ذیل آن می نویسد: «این سخن بزرگ و برترین سخن است و معنایش سرآمد معانی، و ساخته و پرداخته خداوندگاری که خدایش صانع اوست و منزلتش را رفیع و سرآمد مصنوعات نمود.

حضرت می فرماید: احدی از انسان ها بر ما نعمت ندارد، تنها خداست که بر ما نعمت داده است. بین ما و بین او واسطه ای در کار نیست. دیگران به وسیله ما تربیت شده اند و ما واسطه بین خدا و آنان هستیم و این مقام بلندی است. ظاهرش این است که شنیدی، و باطنش آن است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بنده آنان.»^(۱)

ص: ۱۵

و از سوی دیگر صاحب این مفاخر عظیم را می بینیم که از خوف خدا چون مار گزیده به خود می پیچد!

و آن گونه که بعضی از یارانش [ضرار پسر حمزه ضبابی] (۱) او را توصیف کرده دارای چشمی گریان، و متفکر بود وقتی با خود خلوت می کرد به محاسبه نفس می پرداخت.

و می گفت: «آه از کمی زاد و توشه و دوری راه و کمی انس، علی را با نعمت های فناپذیر و لذت های زودگذر چه کار؟» و می فرمود: «بدان که امام شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنی هایش به دو قرص نان، بسنده کرده است به خدا قسم! از دنیای تن شمش طلایی، و از غنایمش ثروتی نیندوخته ام و حتی این پیراهنی که پوشیده ام را تن پوش دیگری فراهم نکرده ام.» (۲)

چه بگوییم از نفس پیامبر که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اش فرموده بود: «تو می شنوی آنچه من می شنوم و می بینی آنچه من می بینم جز آنکه تو نبی نیستی.» (۳)

از این رو آنچه ما درباره امیر المؤمنین و مولی الموحدین می گوییم چون قطره ای است در مقابل دریا و ذره ای است در مقابل خورشید. پس عقول جهانیان و زبان ستایش گران، کوچک تر و نارساتر از آن است که حق این امام همام را ادا کند.

لکن از همان آغاز که خود را شناختم نسبت به یادمان آن

ص: ۱۶

۱- نک نهج البلاغه، کلمات قصار، ۷۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳- [خطبه قاصعه، نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲]

حضرت و فرزندان گرامش حرص و ولع داشتم و این امر به مرور ایام و گذشت سال ها فزونی می یافت و شوقم بیشتر می شد و قلبم به مطالعه احادیث و آثار و استماع مناقب و مدایحشان نورانی می گردید.

و گویا شاعر، این اشعار را به زبان حال من سروده است:

حب آل الرسول خالط عظمی

«محبت خاندان پیامبر با استخوانم در آمیخته و در مفاصلم جریان پیدا کرده پس مرا معذور دارید.

خدا را سوگند که من شیفته آنان هستم.

با یاد آنان مرا از خود، بی خود کنید.

مادرم را عذاب خدا فرا نگیرد که جام عشق علی پیمود و از راه شیر به کامم فرو ریخت.»

و پدری داشتم شیفته ابو الحسن علی، و مرا شیفتگی علی از این پدر و مادر به ارث است.

ص: ۱۷

در این کتاب صد و ده (۱) حدیث در مناقب حضرت از جوامع حدیثی اهل سنت از مسانید و صحاح سته و غیر آنها به‌گزین کردم و آن را «قبس من مناقب امیر المؤمنین» نامیدم.

ناگفته نماند که احادیث وارده در کتاب های اهل سنت درباره حضرت علی علیه السلام فوق العاده فراوان است. به رعایت اختصار و این که گفته اند گاه مختصر مفید، انسان منصف بصیر را از مراجعه به موسوعه های بزرگ و مجلات متعدد بی نیازی کند؛ بر این تعداد بسنده کردم و اوست یاور و مددکار.

و حمد و یثه خدایی است که ما را بدین موهبت عظمی رهنمون شده و اگر هدایت الهی نبود ما بدین امر هدایت نمی شدیم. و صلی الله علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم محمد و آله الطاهرین.

و دوست دارم این مقدمه را به مُشکک صلوات بر محمد و آل با نقل این ابیات خاتمه بخشم:

یا ربّ صل علی النبی و آله

ص: ۱۸

۱- این عدد معادل نام شریف علی علیه السلام به حسب حروف ابجد است. البته با محاسبه احادیثی که در پانوشت بدان افزودم بیش از این شمار شده است. و الحمدلله.

یا ربّ صل علی النبی و آله

بار الها! بر پیامبر و آتش درود فرست.

پاکیزه ترین و بهترین و شایسته ترین درودها را.

پروردگارا! بر پیامبر و آتش درود فرست.

مادامی که درخت اثلث از نَفَس باد صبا در اهتزاز است.

خداوندا! بر پیامبر و خاندانش درود فرست.

تا زمانی که آذرخشی در زمین های هموار بدرخشد.

ایزدا! بر پیامبر و آتش درود فرست.

تا آن گاه که انسان کریمی به میهمان خود خوش آمد گوید.

خداوندا! بر رسول خود و خاندانش درود فرست.

تا موقعی که زائری هست که آهنگ یثرب کند.

بار پروردگارا! بر پیامبر اعظم و خاندانش درود فرست.

تا لحظه ای که پرنده خوش خوان بر شاخسار درخت بخواند.

بار الها! بر حضرت رسول و عترتش درود فرست.

مادام که در آسمان ستاره ای در مقابل ستاره ای قرار می گیرد.

خداوندا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

[همان] کشتی های نجات و اصحاب عبا.

و قرار بده آنان را شفیعان ما.

در روز رستاخیز آن گاه که می پرسند از خبرها.

ص: ۲۰

علی علیه السلام امیر غدیر

عن زید بن أرقم و جماعه من الصحابه، قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ.

زید بن أرقم و گروهی از صحابه روایت کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس را که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. خدایا یاران او را یاری و دشمنانش را دشمن بدار. (۱)

ص: ۲۱

۱- گروهی از ارباب صحاح اهل سنت و مسانید و جوامع روایی آنان به طرق بسیار و صحیح که متجاوز از حد تواتر است نقل کرده اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام مراجعت از «حجه الوداع» در مکانی به نام «غدیر خم» توقف کرده و خطبه ای ایراد کرد و مسلمانان را به چنگ زدن به دو گوهر گرانبها (یعنی کتاب خدا و خاندان پیامبر) توصیه فرمود و افزود که این دو هیچ گاه از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در آیند، آن گاه بازوی علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست...» *** عقیده نگارنده این است که: احادیث «غدیر»، «ولایت»، «ثقلین»، «منزلت»، «ائمه اثنا عشر»، «طیر»، «کساء»، «مباهله»، و احادیث دیگر از این قبیل تمامی از مشهورترین روایات با صحیح ترین اسناد، و طرق فراوان می باشند که جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل آنها پرداخته اند و احدی قادر نیست در بین روایات، احادیثی را که قابل سنجش با احادیث یاده شده از حیث اعتبار و تواتر و شهرت را بیابد مگر خیلی کم. و ضبط کلیه اسناد و الفاظ این روایات فوق العاده دشوار است به نحوی که برای آنها تک نگاری هایی در دست است و گاه برخی از آنها چند مجلد را تشکیل می دهد که در این دفتر فهرست و از باب تبرک و تیمن آنها را نقل می کنیم. و سپاس ویژه خداوندی است که ما را از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش تا امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داد.

۲- علی علیه السلام هادی امت

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا الْمُنْدِرُ وَعَلِيٌّ هَادِي - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ وَقَالَ -: بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که آن سرور فرمود:

من بیم دهنده ام و علی هدایت کننده - و با دستش به علی علیه السلام اشاره کرده، فرمودند: به واسطه تو هدایت شوندگان راه می یابند و هدایت می شوند. (۱)

ص: ۲۳

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ص ۹۲۳/۴۱۲. نیز نک: الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۹۷؛ تفسیر طبری، ج ۳، ص ۷۲. این حدیث از روایات مشهور است. سیوطی در الدر المنثور درباره آن گوید: این حدیث را ابن جریر و ابن مردویه، و ابو نعیم در المعرفه، و دیلمی، و ابن عساکر و ابن نجار نقل کرده اند. چون آیه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» [سوره رعد، آیه ۷] (همانا تو بیم دهنده ای و برای هر قومی هدایت کننده ای است) فرو فرستاده شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دست مبارک خویش به سینه نهاد و گفت: «من بیم دهنده ام.» آن گاه با دست خود به شانه علی اشاره کرده فرمود: «یا علی! تو هدایت کننده ای و هدایت شوندگان پس از من توسط تو راه می یابند.» و مانند همین را از ابی برزه، ابن مردویه، ضیاء در المختاره از ابن عباس و از عبدالله بن احمد در زوائد المسند ابن ابی حاتم و طبرانی در الاوسط و حاکم نقل نموده و آن را صحیح تلقی کرده است. و ابن مردویه و ابن عساکر از علی بن ابی طالب نقل کرده اند که در خصوص آیه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه وآله بیم دهنده است و من هدایت کننده ام.»

۳- ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله: قال صلی الله علیه و آله:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد از دروازه آن وارد شود. (۱)

ص: ۲۵

۱- الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۶/۴۴؛ المستدرک (حاکم)، ج ۳، ص ۱۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۷۷ و ج ۴، ص ۳۴۸؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۳۸؛ اللآلی المصنوعه (سیوطی)، ج ۱، ص ۳۲۹؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۲. در کتاب فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی، ص ۱۶۴ این گونه آمده است: حافظ سیوطی در الجامع الکبیر می گوید: مدتی بود که در مقام پاسخگویی به این پرسش که سند این حدیث چگونه است می گفتم: حسن است تا از حسن اتفاق مواجه شدم با تصحیح ابن جریر در رابطه با نقل حدیث از علی از کتاب تهذیب الآثار به همراه تصحیح حاکم نیشابوری نسبت به نقل این روایت از ابن عباس، آن گاه استخاره کردم و مطمئن شدم به ارتقاء مرتبه حدیث از «حسن» به «صحیح». * نیز رجوع شود به کتاب «مناقب سیدنا علی»، ص ۲۵ و کتاب المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶. ترمذی در کتاب الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۷۲۳/۶۳۷ از علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من خانه حکمت و علی باب آن است.» و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ص ۹۹۰/۴۵۹ و ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۴ همین حدیث را ثبت کرده اند. و رجوع نمایید به کتاب فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی علیه السلام که در آن علم فراوانی خواهید یافت. نیز از سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت فرمودند: «داناترین امت بعد از من علی بن ابی طالب است.» الفردوس، ج ۱، ص ۱۴۹۱/۳۷۰؛ جمع الجوامع/ ۳۷۹۴؛ کنز العمال/ ۳۲۹۷۷. سعید بن مسیب گوید: «در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها کسی که مدعی «سلونی» (از من پرسش کنید) شده، علی بن ابی طالب بود.» توضیح الدلائل، ص ۲۱۱؛ الاستیعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه)، ج ۳، ص ۴۰، تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۳، ص ۱۰۵۴/۳۱. از سفیان نقل است که گفت: «احدی با علی احتجاج نداشت جز آن که علی با براهین، استدلال او را بر هم زد و او چیره شد.» مناقب ابن مردویه، ۷۷/۸۷. ابن مردویه گوید: برای صحابه پیامبر اقدس اکرم صلی الله علیه و آله پیشامد ناگواری رخ داد از این رو عمر آنها را فرا خواند به علی گفت: «تو راه حل بده که بهترین و داناترین آنانی.» کتاب ملحقات احقاق الحق، ۸: ۲۳۳. و عبارتی نزدیک به این مضمون در ذخائر العقبی، ص ۸۱ نقل شده است. و نیز در نقل ها فراوان آمده است که عمر همیشه می گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک می شد.» رجوع شود به کتاب الاستیعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه) ۳: ۳۹. به طور خلاصه باید گفت: «در کتاب الغدیر صد و چهل و سه مصدر برای این حدیث ذکر کرده. و علامه لکهنوی درباره این حدیث و مباحث پیرامون آن دو جلد کتاب قطور تصنیف کرده که صفحات آن بالغ بر ۱۳۴۵ خواهد بود.» * حدیث صحیح عبارت است از

حدیث مسندی که اسناد آن به نقل عادل با قدرت ضبط و حفظ قوی از افراد مانند خود روایت کرده باشند و تحت عنوان شاذ و معلل قرار نگیرد. نک: ارشاد طلاب الحقائق الی معرفه سنن خیر الخلائق.]

۴- علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ كَفَّتَاهُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خِيُوطُهُ، وَفَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ، وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِي عَمُودُهُ، يُوزَنُ بِهِ أَعْمَالُ الْمُحِبِّينَ لَنَا وَ الْمُبْغِضِينَ لَنَا.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:

من میزان علمم، و علی دو کفه اش، و حسن و حسین بندهایش و فاطمه آویزه (شاهینش)، و امامان بعدی دستگیره آن هستند، که در آن کارهای محبان و دشمنان ما وزن و سنجیده می شود. (۱)

ص: ۲۸

۵- یاد علی علیه السلام عبادت است

عن عائشه و ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.

عائشه و ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

یاد کردن از علی عبادت است. (۱)

[توضیح: مناوی گوید: یعنی عبادت خداست و خدا در برابر آن پاداش می دهد.]

ص: ۲۹

۱- الفردوس، ۲۴۴: ۳۱۵۱/۲؛ الجامع الصغیر، ۶۶۵: ۴۳۳۲/۱؛ کنز العمال، ۱/۱۱، ۳۲۸۹۴/۶۰؛ مناقب علی ابی طالب (ابن مغزلی)، ۲۴۳/۲۰۶.

۶- پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه اند

عن ابن عباس، قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از درختان متعددند. (۱)

[توضیح: ریشه نسبی مقصود نیست. «اشاره به نور نبوت و ولایت است که از این دو از ازل یک جلوه می کردند هنگامی که این نور نبوت و ولایت به صلب عبدالمطلب رسید، از هم جدا شده، یکی به پشت ابوطالب منتقل گردید و دیگری در صلب عبدالله».]

ص: ۳۰

۱- الفردوس، ۴۶: ۱۱۵/۱؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۶۳۱۷۴: ۱۱۷۸/۳ و ۱۱۸۵؛ کنز العمال، ۳۲۹۶۸. از ابن عمر روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم از درخت های متعددند و من و علی از یک درخت آفریده شده ایم.» نیز نک: توضیح الدلائل از شهاب الدین، ایجی / ۱۲۳.

۷- کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن

عن وهب بن صیفی: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا أَقَاتِلُ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، وَعَلِيٌّ يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ.

وهب بن صیفی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که حضرت فرمود:

من برای تنزیل قرآن کارزار می کنم و علی در ارتباط با تأویل آن نبرد می کند. (۱)

[توضیح: یکی از معاصران در ذیل حدیث فوق این بیان را دارد:

مراد از تنزیل قرآن، تصدیق به وحی بودن آن است که پیغمبر برای آن جهاد کرد؛ و مراد از تأویل قرآن، فهم صحیح آن و عمل کردن به احکام آن است، که علی در جنگ جمل و صفین و نهروان انجام داد. (عترت ثقل کبیر، ص ۱۹۶)]

ص: ۳۱

۱- الفردوس ۱۱۵/۱:۴۶، تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۷۴ ۱۶۳:۱۱۷۸/۳ و ۱۱۸۵؛ کنز العمال / ۳۲۹۶۸. انس از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که حضرت فرمود: «علی پس از من آنچه را که مردم از تأویل قرآن نمی دانند را به آنها تعلیم می دهد.» شواهد التنزیل، ۲۸/۱:۳۹.

۸- من به درختی مانم که...

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا شَجْرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حِمْلُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَالْمُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَقُّهَا مِنَ الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که حضرت فرمود:

من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی بارور سازنده آن، حسن و حسین میوه آن و دوستداران خاندانم برگ های آن درخت اند که آن درخت و توابعش از بهشت اند. (۱)

ص: ۳۲

۱- الفردوس، ۵۲: ۱۳۵/۱؛ تنزیه الشریعه، ۱۴: ۱؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۲۳۱/۴. و عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا صلی الله علیه وآله این گونه روایت کرده است که حضرت فرمود: «من درختم، و فاطمه تنه و فرع آن، و علی موجب باروری آن است و حسن و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آنند. و اصل آن درخت در بهشت عدن قرار دارد و باقیمانده اجزایش در دیگر جاهای بهشت است.» المستدرک علی الصحیحین، ۱۷۴: ۳/۴۷۵۵.

۹- علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا وَعَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

من و علی حجت خدا بر بندگانش می باشیم. (۱)

ص: ۳۳

۱- میزان الاعتدال ذهبی، ۷۶/۳. و از انس روایت آورده که گفت: در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم ناگهان علی را دیدم که از روبرو می آید حضرت فرمود: «انس!» عرضه داشتم: بلی یا رسول الله. فرمود: «این که از مقابل می آید حجت من است بر امتم در رستاخیز.» جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۹۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۲، ح ۸۰۰ و مابعد آن.

۱۰- افتخار به علی علیه السلام

عن جابر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبَاهِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كُلَّ يَوْمٍ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ حَتَّى يَقُولَ: بَخُّ بَخِّ هَنِئًا لَكَ يَا عَلِيُّ.

جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که حضرت فرمود:

خداوند با عزت و جلال هر روز بر فرشتگان مقربش به علی بن ابی طالب افتخار می کند. تا آنجا که می گوید: «به به! ای علی گوارا باد بر تو.»^(۱)

ص: ۳۴

۱۱- بشارت به علی علیه السلام

عن شراحیل بن مره قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله:

أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ حَيَاتُكَ مَعِيَ وَمَوْتُكَ مَعِيَ.

شراحیل فرزند مره گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

ای علی! بشارت باد که زندگی و مرگ تو با من است. (۱)

ص: ۳۵

۱- مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۱۲ به نقل از طبرانی.

۱۲- جواز عبور از صراط

عن أبي بكر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

لا يَجُوزُ أَحَدٌ الصِّرَاطَ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلَيْهِ الْجَوَازَ.

ابوبکر گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود:

احدی از پل صراط نمی گذرد جز کسی که از علی جواز عبور داشته باشد. (۱)

ص: ۳۶

۱- الصواعق، ۹۷، (چاپ مصر) سال ۱۳۰۸؛ ذخائر العقبی (چاپ مصر) سال ۱۳۵۶ و غیر آن دو.

۱۳- همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي:

يا عَلِيُّ يَدُكَ فِي يَدِي تَدْخُلُ مَعِيَ الْجَنَّةَ حَيْثُ أُدْخَلُ.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمود:

ای علی! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی شد. (۱)

ص: ۳۷

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۳۳۷:۲/۸۴۶؛ ذخایر العقبی، ۸۹؛ الرياض النضره، ۲/۲۰۹؛ جواهر المطالب، ۲۲۷/۱.

دشمنی علیعلیه السلام و خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن جابر بن عبدالله، عن رسول الله صلی الله علیه و آله:

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلِيٍّ، وَ بُغْضُ أَهْلِ بَيْتِي، وَ مَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ.

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

سه چیز است در هر که باشد از من نیست و من از او بیزارم: دشمنی علی، بغض خاندانم و هر کس معتقد است که ایمان صرف گفتار می باشد. (۱)

ص: ۳۸

۱- الفردوس، ۸۵: ۲/۲۴۵۹؛ کنز العمال ۳۱: ۳۳۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۱۸: ۲/۱۸۲؛ مقتل الحسین (ع) خوارزمی، ۹۷: ۲.

۱۵- بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه السلام را دارد

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

ثَلَاثَةٌ تَشْتَاقُ إِلَيْهِمُ الْجَنَّةُ: عَلِيٌّ وَعَمَارٌ وَسَلْمَانٌ.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:

بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می برد: علی، عمار و سلمان. (۱)

ص: ۳۹

۱- الفردوس، ۱۰۰: ۲/۲۵۳۰، تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۷۸/۲، ۶۶۶/۱۸۲؛ جواهر المطالب، ۱: ۲۲۷؛ فرائد السمطين، ۱: ۲۹۲. انس در ضمن حدیثی روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند تو نخستین آنهایی» و این را سه مرتبه بیان فرمود. علی سؤال کرد: پدر و مادرم به فدایت آن سه تن کیان اند؟ جواب داد: «مقداد و سلمان و ابوذر رضوان الله علیهم» مجمع الزوائد، ۱۱۷/۹. و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از هیچ آسمانی نگذشتم جز آنکه اهل آن را در آرزوی دیدار علی بن ابی طالب یافتم. و هیچ پیامبری در بهشت نیست جز آنکه مشتاق علی بن ابی طالب است». جواهرالمطالب، ۱: ۲۵۷.

۱۶- حق امام علی علیه السلام بر عهده مسلمانان

عن جابر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

حَقُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وُلْدِهِ.

جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

حق علی بن ابی طالب بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندش. (۱)

ص: ۴۰

۱- الفردوس، ۲/۱۳۲/۲۶۷۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲/۲۷۱:۷۹۷. نیز نک: مناقب ابن مغازلی، ۷۰/۴۷. عمّار بن یاسر و ابو ایوب انصاری گفته اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق علی بر مسلمانان همان حق پدر است بر فرزند». جواهر المطالب، ۹۱:۱؛ الرياض النضرة، ۱۱۷:۲.

۱۷- محبت امام علی علیه السلام، نابودکننده گناهان

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

دوستی علی بن ابی طالب گناهان را می خورد چنانچه آتش، هیزم را. (۱)

ص: ۴۱

۱- الفردوس، ۲۷۲۲/۱۴۲؛ تنزیه الشریعه، ۳۵۵:۱؛ الفوائد المجموعه، ۳۶۷.

۱۸- دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش

عن عمر بن خطاب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است. (۱)

ص: ۴۲

۱۹- محبت امام علی علیه السلام عمل صالح است

عن معاذ بن جبل: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يُضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ.

معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت می کند که حضرت فرمود:

محبت علی بن ابی طالب حسنه ای است که با وجود آن، گناه زیان نمی رساند، و دشمنی او گناهی است که با وجود آن، هیچ عمل نیکی سودی نمی بخشد. (۱)

[توضیح: زمخشری در توضیح این گونه احادیث می نویسد: زیرا دوستی علی علیه السلام ایمان کامل است و با ایمان کامل گناهان ضرری نمی زنند.]

ص: ۴۳

۲۰- امام علی علیه السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن عائشه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وهو في بيتي لما حضره الموت:

أَدْعُوا لِي حَبِيبِي. فَدَعَوْتُ أَبَا بَكْرٍ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ، ثُمَّ قَالَ: ادْعُوا لِي حَبِيبِي. فَقُلْتُ: وَيَلَكُمْ ادْعُوا لَهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَوَاللَّهِ مَا يُرِيدُهُ غَيْرَهُ، فَلَمَّا رَأَاهُ أَسْتَوَى جَالِسًا، وَخَرَجَ الثَّوْبَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَدْخَلَهُ فِيهِ، فَلَمْ يَزَلْ يَحْتَضِنُهُ حَتَّى قُبِضَ وَ يَدُهُ عَلَيْهِ.

از عایشه نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرضی که بدان وفات یافت در بیت من بود که فرمود:

حبيب مرا به نزدم بیاورید. من (پدرم) ابوبکر را دعوت کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله بدو نگریست و آن گاه سر خود را بر بالین نهاد و همان سخن را تکرار کرده فرمود: «حبيب مرا به نزدم بیاورید». به حاضران گفتم: وای بر شما علی بن ابی طالب را نزد او آورید که به خدا سوگند جز او کسی را نمی طلبد! چون علی را مشاهده کرد از بستر جدا شد و پوششی را که بر رویش بود عقب زد و علی را در

زیر آن برد و همچنان او را در آغوش داشت تا از دنیا رحلت کرد در حالی که دستش بر بدن علی بود. (۱)

ص: ۴۵

۱- المناقب خوارزمی، ۴۱/۶۸. این حدیث را ابن مردویه طبق آنچه شهاب الدین ایجی شافعی در توضیح الدلائل ۱۷۸ آورده، نقل نموده است. و نیز محب الدین طبری در ذخائر العقبی، ص ۷۲ از عائشه نقل می کند که چون رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد فرمود: «حبیب مرا به نزدم بیاورید.» ابوبکر را حاضر کردند حضرت به او نگریست دوباره سر خود را بر بالین نهاد، و بار دیگر همان را تکرار فرمود. عمر را فرا خواندند. همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مشاهده کرده سر بر زمین نهاد و باز فرمود: حبیب مرا بگویید بیاید. علی را دعوت کردند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید همراه با خود او را داخل پارچه ای کرد که رویش انداخته بودند، همچنان او را در آغوش داشت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. و نیز این حدیث در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۰۳۶/۱۷/۳؛ جواهرالمطالب، ۱۷۵/۱ نقل شده است. از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام بیماریش فرمود: «برادرم را نزد من فرا خوانید.» ابوبکر را گفتند، حضرت از او روی برگرداند آن گاه فرمود: «بگویید برادرم بیاید.» عمر را گفتند آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از او نیز روی گردانیده آن گاه فرمود: «برادرم را بگویید بیاید.» عثمان را گفتند آمد پس حضرت از او نیز روی برگرداند. پس علی را فراخواندند پیامبر پارچه ای رویش بود برداشت و علی را در زیر آن پارچه داخل نمود، هنگامی که علی از حضور پیامبر خارج شد. از ایشان سؤال شد رسول خدا چه چیزی در زیر پارچه به تو فرمود؟ گفتند: رسول خدا مرا هزار باب آموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می شود. مسند ابی یعلی موصلی؛ سیر اعلام النبلاء، ۸:۲۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۴۸۳:۱۰۱۲/۲؛ کفایه الطالب، ۱۳۳.

۲۱- محبوب ترین مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

عن معاذ الغفاریه:

كُنْتُ أُنَيْسًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُخْرِجُ مَعَهُ فِي الْأَسْفَارِ، أَقُومُ عَلَى الْمَرْضَى، وَادَاوِي الْجَرْحَى. فَدَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْتِ عَائِشَةَ وَ عَلِيٍّ خَارِجٍ مِنْ عِنْدِهَا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِعَائِشَةَ: إِنَّ هَذَا أَحَبُّ الرِّجَالِ إِلَيَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ، فَأَعْرِفِي لِي حَقَّهُ، وَ أَكْرِمِي مُتَوَاهًا.

از معاذ غفاری روایت است که گفت:

من انیس و همدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم به طوری که با ایشان به سفرها می رفتم، و از سوی آن جناب بر بالای سر مریض ها حاضر می شدم، و جراحت زخم خوردگان را مداوا می کردم. روزی به دیدار پیامبر که در بیت عایشه بود رفتم در این هنگام علی در خارج از منزل حضور داشت. شنیدم حضرت، سفارش علی را به عایشه می کرد و فرمود: «این محبوب ترین مردان نزد من و گرامی ترین آنها برای من است، پس به خاطر من حق او را بشناس و

ص: ۴۶

۱- الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی (چاپ قاهره، ۱۳۲۸ هـ، ط ۱) ۴:۴۰۳، ترجمه لیلی الغفاریه. و نیز ابن اثیر جزری در اسدالغابه (چاپ بیروت، دار احیاء التراث العربی) ۵:۵۴۷.

عن أم سلمه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ام سلمه روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران اند. (۱)

[نکته: از این گونه احادیث که کلمه «شیعه» به زبان مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله صادر شده می توان فهمید که نخستین کسی که بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشیده، شخص رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده است.]

ص: ۴۸

۱- الفردوس، ۶۱: ۴۱۷۲/۳، و ۳۵۸: ۲/۳۵۹۹؛ انساب الاشراف بلاذری، ۲: ۱۸۲ و در ذیل صفحه از تاریخ دمشق، ۴۱: ۳۸/۸۵۱. از جابر بن عبدالله روایت شده ما در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نشسته بودیم که علی از روبرو به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه وآله به او افتاد فرمود: «قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست این و شیعیانش روز رستاخیز پیروزمند و رستگارانند.» و آیه ۹۸ سوره بینه نازل شد (کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان بهترین مردم هستند.) مجمع الزوائد، ۹: ۱۳۱. و گنجی با اسناد خود از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وآله به علی نگاه کرد و فرمود: «این و پیروانش رستگاران روز رستاخیز هستند.» در ادامه می فرماید: من این حدیث را از گروه بسیار و طرق گوناگون شنیدم. کفایه الطالب، ۱۷۵. و مناوی این حدیث را این گونه نقل کرده است: «شیعیان علی رستگارانند.» کنوز الحقائق، ۱۷/۱: ۲۵۱۵.

۲۳- مَحْرَم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سلمان: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

صاحبُ سرِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از سلمان روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

صاحب سر من علی بن ابی طالب است. (۱)

ص: ۴۹

۱- الفردوس، ۲: ۴۰۳ / ح ۳۷۹۳.

عن داود بن بلال بن أجنحه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

الصَّدِيقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَّارِ، وَحَزَقِيلُ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالثَّلَاثُ أَفْضَلُهُمْ.

داود بن بلال بن اجنحه روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، حزقیل مؤمن آل فرعون، علی بن ابی طالب که از همه آنها با فضیلت تر است. (۱)

[توضیح: حبیب، فردی است که از جای دور دست شهر با شتاب آمد و مردم انطاکیه را پند داد که از فرشتگان خدا پیروی کنید. داستان در سوره مبارکه یس است.

مؤمن آل فرعون همان است که ایمانش را از فرعونیان پنهان می داشت و آنان را از مخالفت با موسی علیه السلام باز

ص: ۵۰

۱- الفردوس، ۳۸۶۶/۲:۴۲۱؛ جمع الجوامع/ ۱۱۰۸۳؛ فیض القدیر، ۵۱۴۸ از ابن عباس و ۵۱۴۹ همان؛ الدر المنثور، ۳:۲۶۲؛ تفسیر القرطبی، ۱۵:۳۰۶؛ کنز العمال/ ۳۲۸۹۷ و ۳۲۹۸۹، المناقب خوارزمی، ۳۰۷/۳۱۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۸۱۲/۲:۲۸۲؛ الجامع الصغیر، ۵۱۴۸/۲:۱۱۵؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ۱۲۵. نیز رجوع فرمایید به: الدر المنثور، ۶:۱۵۴؛ فتح القدیر، ۴:۱۵۱؛ تفسیر روح المعانی، ۲۷:۱۱۴ در تفسیر آیه: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» و فضائل اثرا بن حنبل، ۱۳۱ و ۱۷۰.

می داشت و می گفت: «آیا مردی را می کشید که می گوید پروردگارم خداست؟»

ص: ۵۱

عن محدوج بن زید الذهلی - فی حدیث :- قال النبی صلی الله علیه وآله لعلی:

ألا- وإني أخبرك يا علي إن أمتي أول الأمم يحاسبون يوم القيامة، ثم ابشرك بآنك أول من يدعى لقرايبك مني ومنزلكك عندي فيدفع إليك لوائى الحمد وهو أول لوائى يسار به بين السمطين؛ آدم وجميع خلق الله يستظلون بظل لوائى يوم القيامة.

محدوج بن زید ذهلی در ضمن حدیثی نقل می کند که رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد -، به علی علیه السلام فرموده است:

آگاه باش امتم نخستین امت هاست که در رستاخیز محاسبه می شوند، بشارت باد که تو به لحاظ قرابت و خویشاوندی که با من داری و به جهت موقعیت و منزلتی که پیش من داری اولین کس هستی که خوانده می شوی و پرچم حمد من در اختیارت گذاشته می شود و آن نخستین پرچمی است که در

بین دو گروه به اهتزاز در می آید. همه آفریدگان، روز رستاخیز در سایه پرچم من اند. (۱)

ص: ۵۳

۱- جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: ۱، ۱۸۱.

۲۶- منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عمران بن حصین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

عَلِيٌّ مَنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي.

از عمران بن حصین روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی از من است و من از او هستم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است. (۱)

ص: ۵۴

۱- الفردوس، ۴۱:۳/۴۱۷۱. مسند احمد، ۴، ص ۱۶۵؛ سنن الترمذی / ۳۷۱۹؛ سنن ابن ماجه / ۱۱۹؛ المعجم الکبیر، ۴:۱۹ و ۲۰؛ خصائص نسایی، ۹۰/۱۶۶. نیز رجوع فرمایید به: ارحیح المطالب، ۵۴۸، و ابن اثیر در اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۷ حدیث را این گونه روایت کرده است: «همانا علی از من است و من از علی و اوست سرپرست هر مؤمنی و پس از من»؛ کنز العمال، ۳۲۹۶۱/۱۱:۶۱۲.

عن عمر و أنس و جابر بن عبدالله و غیر هم: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِّنْ مُّوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ (بَعْدِي).

از عمر و انس و جابر بن عبدالله و غیر آنان روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

نسبت علی به من همان نسبتی است که هارون به موسی داشت منهای نبوت. (۱)

ص: ۵۵

۱- الفردوس، ۶۲: ۴۱۷۳/۳؛ المعجم الكبير طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۵؛ الجامع الصغير سيوطی، ح ۵۵۹۷. ابن عبدالبر در استيعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه) در ترجمه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۳، ص ۳۵ می نویسد: این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که به علی فرمود: تو نسبت به من همچون موسی علیه السلام هستی به هارون (پیامبر) جمعی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند و این از حیث سند از جمله بهترین آثار ثبت شده و صحیح ترین آنهاست. خوارزمی در کتاب مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸ گفته است: این حدیث را جماعتی از صحابیان روایت کرده اند که عبارتند از: علی، عمر، عامر بن سعد، سعد بن ابی وقاص، امّسلمه، ابو سعید، ابن عباس، جابر، ابوهریره، جابر بن سمره، جشی بن جناده، انس، مالک بن جویرث، ابویوب، یزید بن ابی أوفی، ابو رافع، زید بن أرقم، براء، عبدالله بن ابی أوفی، معاویه بن ابی سفیان، ابن عمر، بریده بن حصیب، خالد بن عرفطه، حذیفه بن اسید، ابوالطفیل، اسماء بنت عمیس، فاطمه دخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه دخت حمزه بن عبدالمطلب. گنجی شافعی در کفایه الطالب (باب ۷۰، ص ۲۸۳) می نویسد: حاکم نیشابوری گفته است: این حدیث در حد تواتر است. حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۲ می نویسد: این همان حدیث منزلت است که شیخ ما ابو حازم درباره آن می گوید: آن را با پنج هزار سند تخریج نموده ام. سیوطی در الدر المثور، ۲۶۶/۳؛ ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۰۷: ۳۳۶/۱ و ابن حجر در الاصابه (۹۰۵/۲) از سعد بن ابی وقاص نقل کرده اند: علی بن ابی طالب همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون رفت وقتی به حجه الوداع رسید و پیامبر عازم تبوک بود گریست و به پیامبر چنین گفت: «مرا میان زنان و اطفال نهاده و خود به تبوک می روید.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا راضی نیستی موقعیت نسبت به من همچون موقعیت هارون به موسی باشد جز در نبوت؟!» نیز رجوع شود به کنز العمال، ۳۶۵۱۷/۱۷۱/۱۳؛ مجمع الزوائد، ۱۱۰/۹.

۲۸- عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی، به منزله سر از جسد من است. (۱)

[علامه مناوی در شرح آن می نویسد: این سخن مبالغه در شدت اتصال و پیوند آنها با یکدیگر است.]

ص: ۵۷

۱- الفردوس، ۴۱۷۴/۳:۶۲؛ فیض القدیر / ۵۵۹۶؛ زهر الفردوس، ۲:۳۱۶ به گونه مسند؛ مناقب خوارزمی، ۱۶۷/۱۴۴ و ۱۷۴/۱۴۸، و ابن مغزلی در المناقب، ۱۳۵/۹۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «علی نسبت به من همچون سر است به بدنم.» و با سند دیگری به شماره ۱۳۶ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمود: «علی نسبت به من مانند سرم است به تنم.» نیز مراجعه شود به: الجامع الصغیر سیوطی، ۲، ص ۵۵۹۶/۱۷۷؛ کنز العمال، ۳:۶۰۳/۱:۳۲۹۱۴.

۲۹- چون ستاره صبح می درخشد

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَزْهَرُ فِي الْجَنَّةِ كَكَوْكَبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.

از انس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می درخشد. (۱)

ص: ۵۸

۱- الفردوس: ۴۱۷۸/۶۳؛ فیض القدیر، ۵۵۹۹؛ زهر الفردوس، ۲: ۳۱۵؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح ۵۵۹۹.

۳۰- علی علیه السلام در آمرزش الهی

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُ حِطَّةٍ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب باب حطه بنی اسرائیل است کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که از او خارج گردد کافر است. (۱)

[توضیح: لفظ حطه دو بار در قرآن به کار رفته است: سوره بقره، آیه ۵۸ و سوره اعراف، آیه ۱۶۱ و هر دو درباره بنی اسرائیل است. باب حطه آن دری بود که بنی اسرائیل با وارد شدن از آن، در امان بودند. شاید وجه شبهه در حدیث چنین باشد که آن باب مظهر فروتنی در مقابل ذات لایزال الهی و قوانین اوست. انقیاد از علی علیه السلام هم، چنین است.

مقصود از «خرج منه»، «خرج علیه» است. یعنی کسی که بر او خروج کند. نیز نک: فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۵۶]

ص: ۵۹

۱- الفردوس، ۶۴:۳/۴۱۷۹؛ فیض القدیر، ۵۵۹۲؛ کنز العمال / ۳۲۹۱۰؛ زهر الفردوس، ۲:۳۱۵ به نقل از ابن عمر. الجامع الصغیر، ۲:۹۶.

عن حذیفه: قال رسول الله صلی الله علیه وآله:

عَلِيٌّ قَسِيمُ النَّارِ.

از حذیفه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی تقسیم گر آتش دوزخ است. (۱)

ص: ۶۰

۱- الفردوس، ۴۱۸۰/۳:۶۴. نیز مراجعه شود به طبقات الحنابله، ۱:۳۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۷۷۵/۲:۲۵۳. دارقطنی در العلل الوارده (۱۱۳۲/۶:۲۷۳) از ابوذر روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «علی تقسیم گر آتش دوزخ است، دوستانش را به بهشت و دشمنانش را به دوزخ می افکند.» در طبقات الحنابله (۴۴۸/۱:۳۲۰) محمد بن منظور طوسی می گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم که مردی به وی گفت: ای اباعبدالله! چه گویی درباره این حدیثی که علی گفته است: «من تقسیم کننده آتش دوزخم.» احمد گفت: چه انکاری در این حدیث دارید؟ مگر برای ما از پیامبر روایت نشده که به علی فرمود: «جز مؤمن تو را دوست نمی دارد، و جز منافق تو را دشمن نمی دارد؟» گفتم: [چرا]. گفت: [جای] مؤمن کجاست؟ گفتیم: بهشت. گفت: [جای] منافق در کجاست؟ پاسخ دادیم، در آتش. گفت بنابراین علی تقسیم گر آتش دوزخ است.

۳۲- نخستین گروه بهشتی

عن علی علیه السلام قال: أخبرني رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَجِبُونَا؟ قَالَ: مِنْ وَرَائِكُمْ.

از علی نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

همانا نخستین گروهی که به بهشت در آیند من و فاطمه و حسن و حسین می باشیم.

پرسیدم: «دوستان ما چه موقعیتی دارند؟»

فرمود: «ایشان به دنبال سر شما وارد بهشت می شوند.»^(۱)

ص: ۶۱

۱- کنز العمال، ۶۳۹: ۳۷۶۱۳/۱۲ به نقل از مستدرک حاکم و صواعق و ذخائر العقبی و غیر آن.

عن انس بن مالک اهدى لرسول الله صلى الله عليه وآله طير فقال:

اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِرَجُلٍ يُحِبُّهُ اللهُ وَ يُحِبُّهُ رَسُوْلُهُ، قَالَ اَنْسٌ: فَاتَى عَلِيٌّ فَفَرَعَ الْبَابَ فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ مَشْغُوْلٌ وَ كُنْتُ اِحْبُ أَنْ يَكُوْنَ مِنَ الْاَنْصَارِ ثُمَّ، إِنَّ عَلِيًّا فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ اَتَى الثَّالِثَةَ، فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ: يَا اَنْسُ اَدْخِلْهُ فَقَدْ عَنَيْتُهُ فَلَمَّا اَقْبَلَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ اللَّهُمَّ وَالِ.

از انس بن مالک روایت شده: پرنده کباب شده ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند حضرت فرمود:

خدایا مردی را برسان که خدا او را دوست می دارد و پیامبر نیز او را دوست می دارد تا با من در خوردن این مرغ بریان شریک شود.

انس گوید: «ناگهان علی در را کوفته تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شود.» گفتم: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سرگرم کاری است و دوست داشتم شخصی که می آید از انصار (مردم مدینه) باشد.» طولی نکشید بار دیگر علی در را به صدا درآورد،

سومین بار نیز علی در را زد. در این هنگام پیامبر فرمود: «در را باز کن که من در دعایم او را قصد کردم.» و چون علی به نزد رسول خدا رسید پیامبر اکرم گفت: «خداوندا! دوستش بدار، خداوندا! دوستش بدار.»^(۱)

ص: ۶۳

۱- اسد الغابه، ۴:۳۰. در آن آمده است این حدیث را بیش از یک راوی از انس روایت کرده اند. البدایه و النهایه، ۷:۳۵۴ و ۳۸۸؛ العلل المتناهیه، ۳۶۷/۱:۳۲۳ و ۳۷۳/۲۳۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶/۲۳۶ و ۳۷۷؛ تاریخ دمشق، ۶۳۹/۱۳۱/۲ و در موارد متعدد دیگر این کتاب این حدیث نقل شده است. خوارزمی در مقتل الحسین علیه السلام، ص ۴۶ می نویسد: حافظ ابن مردویه این حدیث را با صد و بیست سند روایت کرد: و ابو عبدالله حافظ گوید: حدیث طیر را اگر چه مسلم و بخاری در کتاب خود نیاورده اند صحیح است اگر خواهان اطلاعات گسترده تر در این زمینه هستید به کتاب العبقات مراجعه فرمایید.

عن عبدالله بن حکیم الجهنی: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَيْلَةَ اسْرِي: إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ.

از عبدالله بن حکیم جهنی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند، در مورد علی در شب معراج سه نکته را وحی فرمود: «این که او سید و سرور مؤمنان و پیشوای پروا پیشگان و فرمانده سدید جینان است.» (۱)

ص: ۶۴

۱- المعجم الصغير، طبرانی، ۲:۸۸، و در كنز العمال (۳۳۰۹/۱۱:۶۱۹) آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «مرحبا به آقای مسلمانان، و امام پروا پیشگان.» ابو نعیم اصفهانی در کتاب حلیه الاولیاء (۱:۶۳) از انس نقل روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انس! آب جهت وضو ساختن برایم بیاور.» آن گاه برخاست و دو رکعت نماز گزارد سپس فرمود: «ای انس! نخستین کسی که از این در در آید، امیر مؤمنان و آقای مسلمانان ها و پیشوای سفید رویان درخشان چهره و خاتم وصیان است.» انس گفت: «عرضه داشتم: خدایا! مردی از انصار باشد؛ و این خواسته را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشیده داشتم.» آن گاه علی آمد. پیامبر سؤال کرد: «انس! کیست؟» گفتم: «علی.» پیامبر با شادمانی برخاست و او را در آغوش گرفت، سپس بنا کرد عرق چهره اش را به صورت علی مالید و عرق چهره علی را به رخسار خود می مالید. علی گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! کاری کردید که پیش از این با من نمی کردید؟!» حضرت فرمود: «چرا نکنم در حالی که تو آنچه بر من است ادا خواهی کرد و آوای مرا به ایشان می رسانی و آنچه را که بعد از من در آن اختلاف کنند، حق را برای آنان بیان می کنی.» ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۴۸۶:۲/۱۰۱۴ و در مستدرک ۳:۱۲۷ چنین ثبت شده است به من سه چیز درباره علی وحی شده است: او سید مسلمانان و... است. حاکم می نویسد: این حدیث دارای اسناد صحیحی می باشد ولی مسلم و بخاری آن را نیاورده اند.

۳۵- علی علیه السلام در بهشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ سَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام در حظیره قدس (جایگاه قدس) در گنبد سفید رنگی که سقفش به عرش خداوندی منتهی می شود جای داده شده اند. (۱)

ص: ۶۶

۱- الفردوس، ۴۲۸۴/۳ از عمر. و سیوطی در اللالی برای آن طریق دیگری ذکر کرده است (یعنی غیر از طریقی که تضعیف کرده اند. گرچه تضعیفشان هم چون به دلیل آن است که راوی از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده، این تضعیف بی وجه است. و آن را طبرانی از ابن موسی نقل کرده که او گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین در قیامت در قبه ای تحت عرش قرار داریم. و این طریق هم بدون اشکال نیست و مؤید طریق دیگر خواهد شد.»

۳۶- سهم علی علیه السلام از حکمت الهی

عن ابن مسعود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةً وَاعْتُبِيَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا.

از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

حکمت به ده بخش تفسیم شده که نه جزء آن به علی اختصاص یافته است و یک بخش باقیمانده به بقیه مردم موهبت گردیده است. (۱)

ص: ۶۷

۱- الفردوس، ۲۲۷:۳/۴۶۶۶. و ابو نعیم در الحلیه، ۱:۶۴۶۵ آن را تخریج کرده؛ الجامع الکبیر، ۲:۵۵۰.

۳۷- علی علیه السلام و قرآن

عن أم سلمه، قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

ام سلمه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (۱)

ص: ۶۸

۱- الفردوس، ۲۳۰: ۳/۴۶۷۸؛ مناقب سیدنا علی، ۳۸؛ مجمع الروائد، ۱۳۴/۹. همچنین رجوع شود به المناقب خوارزمی، ۲۱۴/۱۷۶؛ توضیح الدلائل: ۲۰۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۴: ۳؛ کنز العمال، ۶۰۳: ۱۱/۳۲۹۱۲؛ الجامع الصغیر، ح ۵۵۹۴؛ مجمع الزوائد، ۱۳۴: ۹؛ باب؛ الحق مع علی علیه السلام.

عن أبي ذر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلَيْ بَابِ عِلْمِي، وَمُبَيَّنٌ لِمَتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي. حُبُّهُ إِيْمَانٌ، وَبُغْضُهُ نِفَاقٌ، وَالنَّظَرُ إِلَيْهِ رَأْفَةٌ وَ مَوَدَّتُهُ عِبَادَةٌ.

از ابوذر روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی دروازه دانش من است، و پس از من، تبیین کننده رسالتم (دین خدا) برای امتم خواهد بود؛ دوستی اش ایمان و دشمنی اش نفاق و دورویی است، و نگرستن به رخسارش از روی رأفت و مودت، عبادت است. (۱)

ص: ۶۹

۱- الفردوس، ۴۱۸/۳:۶۵؛ زهر الفردوس، ۳۱۷ ۳۱۶:۲، به صورت مسند؛ کنز العمال، ۱۲:۲۱۲ و ۶:۱۵۶؛ القول الجلی ح ۳۸ و غیر آنها. و مانند آن چیزی است که روایت کرده اند در المستدرک، ۳۶؛ کنوز الحقائق، ص ۱۸۸؛ حلیه الاولیاء، ۱:۶۳.

عن سلمان: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

كُنْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مُعَلَّقًا، يُسَبِّحُ اللَّهُ ذَلِكَ النُّورَ وَيَقَدِّسُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ (عَشْرٍ) أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ رَكَّبَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ فَلَمْ نَزَلْ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَلَّبِ فَجُزَّءٌ أَنَا وَجُزَّءٌ عَلِيٌّ.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

من و علی در پیشگاه الهی به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می کرد. [تسبیح یعنی تنزیه و گفتن سبحان الله. تقدیس یعنی خدا را بدون هر عیب و نقص دانستن] چهار (ده) هزار سال پیش از آن که آدم را بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد آن نور را در صلب او قرار داد، ما پیوسته با هم در یک چیز بودیم تا آن که در پشت عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم یک جزء

آن من و جزء دیگر آن علی شد. [من در نبوت بروز کردم و علی در خلافت] (۱)

ص: ۷۱

۱- الفردوس، ۴۸۵۱/۳:۲۸۳. نیز نکه: مناقب سیدنا علی، ۲۱؛ ینابیع الموده، ۱۱۸؛ المناقب خوارزمی، ۱۷۰/۱۴۵؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۱:۱۸۶/۱؛ کفایه الطالب، ۳۱۵، ب ۸۷؛ المناقب، ابن مغزلی، ۱۳۰۱۳۲/۷۸.

۴۰- نامیده شدن علی علیه السلام به امیر مؤمنان

عن حذیفه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ، سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ آدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ. قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مَنْ ظَهَرَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «بَلَى» فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَنَا رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيُّ أَمِيرُكُمْ».

از حذیفه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر مردم می دانستند از چه وقت علی، امیر مؤمنان نامگذار شده است، فضل و برتری اش را انکار نمی کردند. پس افزود: «او امیر المؤمنین نامیده شد در حالی که آدم در هنگامه دمیدن روح در جسدش بود.»

خداوند فرمود: «و چون پروردگارت از پشت فرزندان آدم، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد که: آیا من پروردگار شما نیستم؟» (اعراف / ۱۷۲)

فرشتگان گفتند: بلی.

ص: ۷۲

پس خداوند متعال فرمود: «من پروردگار شما و محمد پیامبرتان و علی امیر شماست.»^(۱)

ص: ۷۳

۱- الفردوس، ۳۵۴: ۳/۵۰۶۶.

۴۱- برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَضَعْتَا فِي كَفِّهِ وَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كَفِّهِ لَرُجِحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ.

از عمر بن خطاب روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اگر آسمان ها و زمین را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان علی را در کفه دیگر، بی شک ایمان علی از آن سنگین تر خواهد بود. (۱)

[توضیح: ایمان امیر المؤمنین علیه السلام در حدی است که خود فرموده: لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً.]

ص: ۷۴

۱- الفردوس، ۳۶۳: ۵۱۰۰/۳؛ کنز العمال، ۳۲۹۹۳ / المناقب خوارزمی، ۱۴۶/۱۳۱. و نزدیک به آن را در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۶۴: ۸۷/۲ نقل کرده است؛ ذخائرالعقبی، ۱۰۰.

۴۲- عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اثری ندارد

عن علی بن ابی طالب علیه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَحَدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ مَدَّ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَحُجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ، لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا.

از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر گاه بنده ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد [نهمصد و پنجاه سال] به عبادت خدا پردازد، و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد، و بعد (در بهترین مکان) بین صفا و مروه به ناحق کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد بوی بهشت به مشام او نمی رسد و داخل آن نمی شود. (۱)

ص: ۷۵

۱- الفردوس، ۳: ۳۶۴؛ تنزیه الشریعه، ۱، ص ۳۹۸؛ المناقب خوارزمی، ۴۰/۶۷.

عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه وآله (في قصة إعلان البراءة):

يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ أَنْتَ.

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم (در ارتباط با اعلام براءت از مشرکان) فرمود:

ای علی! (آنچه وظیفه بر عهده من است) را ادا نمی کند جز خودم یا تو. (۱)

[توضیح: پیامبر در سال نهم هجرت برای منع مشرکان از ورود به مسجدالحرام و رفع هر نوع پیمان از آنها، ابوبکر را با شانزده آیه از آغاز سوره براءت به مکه اعزام کرد تا در موسم حج آیات را بر حاضران بخواند. ابوبکر در نیمه راه بود که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «امر الهی آن است که این آیات را یا خودت یا مردی از اهل بیت تو بر مردم ابلاغ کند.»]

ص: ۷۶

۱- الدر المنثور، ۳: ۲۰۹ و ۲۱۰ همان؛ کنز العمال، ۲: ۴۲۲؛ فتح القدير، ۲: ۳۳۴؛ فضائل الصحابه از احمد بن حنبل، ۲: ۵۶۲، ح

۴۴- سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت پذیری

عن عمار بن یاسر: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

أَوْصِي مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ - تَعَالَى - وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

از عمار بن یاسر نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به آن کس که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده سفارش می کنم به ولایت علی بن ابی طالب. هر کس ولایت او را بپذیرد در حقیقت ولایت مرا پذیرفته و معتقد به ولایت من ولایت الهی را پذیرفته، و هر کس او را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست داشته باشد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس او را دشمن بدارد حقیقتاً مرا دشمن داشته و هر کس با

من دشمنی ورزد در واقع با خداوند، دشمنی ورزیده است.^(۱)

ص: ۷۸

۱- الفردوس، ۴۲۹/۱/۱۷۵۱؛ امالی شجری، ۱:۱۳۴؛ کنز العمال، ۳۲۹۵۳. و آن را هیشمی در مجمع الزوائد، ۹:۱۰۸ نقل کرده است.

۴۵- علی علیه السلام کفو (همتایی) فاطمه سلام الله علیها

عن امّ سلمه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوًّا.

از ام سلمه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر خداوند علی را برای فاطمه نیافریده بود کفو (همتایی) برای فاطمه سلام الله علیها نبود. (۱)

[توضیح: به طور مسلم مقصود از کفویت و همتایی مهین دخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که سیده نساء عالمین است با امیر المؤمنین علیه السلام که سید و صیبن است، در عصمت و دانش و بینش و نکات والای اخلاقی و مقام قرب و فنا و آگاهی از اسرار قدسی و اسماء و صفات خداوند است نه همتایی از جهت خویشاوندی و امثال آن.]

ص: ۷۹

۱- الفردوس، ۳۷۳:۳/۵۱۳۰. ابن مردویه با اسناد خود از ام ایمن نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله [صبحگاه عروسی فاطمه و علی] به او فرمود: «ای ام ایمن، برادرم را بگو بیاید.» ام ایمن گفت: مرادتان کیست؟ فرمود: «علی.» ام ایمن با تعجب پرسید: چگونه علی برادر تو است در حالی که دخترت را به عقد او در آورده ای؟! حضرت فرمود: «اینچنین است به خدا قسم فاطمه را به ازدواج هم شأنی در آوردم که در این سرا و سرای دیگر شرافتمند است.» مناقب ابن مردویه، ۱۰۴/۱۰۱. و نزدیک به آن را در المستدرک علی الصحیحین، ۳:۱۵۹ می توان دید.

۴۶- اگر در دل همه، مهر علی علیه السلام بود

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی آفرید. (۱)

[توضیح: علی بن عیسی اربلی در شرح این روایت می نویسد: راز مطلب این است که محبت علی علیه السلام فرع محبت پیامبر است و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله فرع محبت خدا و توحید او و عمل به تکالیف و اطاعت از اوامر و نواهی الهی و التزام به کتاب و سنت نبوی است. بدیهی است اگر مردم همگی بر این فطرت مبارک پایبند بودند خداوند دوزخ را نمی آفرید. کشف الغمه، ۱، ص ۱۰۰.]

عالم دیگری در ذیل حدیث فوق می گوید: از این حدیث شریف فهمیده می شود که عذاب و آتش فقط برای مخالفان (یعنی دشمنان امیر و فرزندان علیهم السلام، آفریده شده است. [

ص: ۸۰

۴۷- علی علیه السلام جدا کننده بین حق و باطل

عن أبي ذر و سلمان: أخذ النبي صلى الله عليه و آله بيد علي فقال:

إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَ هَذَا أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، وَ هَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَ هَذَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِينَ.

از ابوذر و سلمان روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

به درستی که این مرد اولین کس از امت است که به من ایمان آورد. و نخستین کس است که در روز رستاخیز با من مصافحه کند و اوست صدیق اکبر (بزرگترین راستگو) و فاروق امت که حق و باطل را از هم جدا و متمایز می سازد. و این است خسرو مؤمنان و مال، خسرو ستمکاران می باشد. (۱)

ص: ۸۱

۱- مجمع الزوائد هشمی، ۹: ۱۲؛ لسان المیزان، ۲: ۴۱۴. نیز رجوع شود به المناقب ابن مغازلی، ۹۳/۶۵. او به اسناد خود نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! تو آقای مسلمانان، پیشوای پروا پیشگان و رهبر نامدار و سپیدان و خسرو دینی.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ح ۱۱۹ و آنچه پیرامون حدیث نقل کرده اند.

۴۸- ارزش مبارزه علی علیه السلام

عن معاوية بن حيدة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لُمُبَارَزَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِودِ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

بی شک مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدود در روز (احزاب) و جنگ خندق از اعمال امتم تا روز رستاخیز برتر است. (۱)

ص: ۸۲

۱- الفردوس، ۴۵۵:۳/۵۴۰۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۹۴:۳.

۴۹- دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است

عن معاویه بن حیده: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ بُغْضُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که بدرود حیات گوید و در دلش دشمنی علی بن ابی طالب باشد پس بایست یهودی یا نصرانی از دنیا رخت بریندد. (۱)

ص: ۸۳

۱- الفردوس، ۵۵۷۹/۳:۵۰۸ و ۸۳۱۶/۵:۳۲۱. از جابر و او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «ای علی! چنانکه اتمم با تو دشمنی ورزید، خداوند آنان را با نوک بینی شان در آتش می اندازد.» تنزیه الشریعه: ۳۶۰. اللآلی المصنوعه، ۱۹۰/۱. و در کتاب الفردوس، ۸۳۳۹/۵:۳۳۰ و زهر الفردوس، ۴:۳۱۲ به صورت مسند از بهز بن حکیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ای علی! باکی ندارم هر کس با دشمنی تو دنیا را ترک گوید، یهودی بمیرد یا نصرانی.» این حدیث را ابن مغزلی در المناقب ((۷۴/۵۰)) از معاویه بن حیده نقل کرده است. و از ابن هارون نقل شده که گفت: با ابن عمر در جایی نشسته بودیم که نافع بن ارزق به ما نزدیک شد و بالای سر ابن عمر ایستاد و سوگند یاد کرد و گفت: به خدا سوگند که بغض علی را در دل نهفته دارم. روای گوید: ابن عمر سر بلند کرد و گفت: خدایت دشمن بدارد، بغض شخصیتی را در دل می گیری که یکی از سوابقش از دنیا و هر چه در آن است برتر و بهتر است. المصنف، ابن ابی شیبه، ۱۶۰:۶؛ شواهد التنزیل، ۱۲/۱:۲۰.

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

کسی که به علی دشنام دهد، به من دشنام داده است و کسی که به من دشنام دهد، در حقیقت به خدا دشنام داده است و هر کس به خدا ناسزا گوید خداوند او را در آتش دوزخ می افکند و همواره دچار عذاب خواهد بود. (۱)

ص: ۸۵

۱- الفردوس، ۵۴۲:۳/۵۶۸۹؛ فیض القدر، ۸۷۳۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۵:۳۲۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ۳:۱۳۰؛ مجمع الزوائد، ۹:۱۳۰؛ الجامع الصغیر، ح ۸۷۳۶؛ خوارزمی در کتاب المناقب (۱۵۴/۱۳۶) از سعید بن جبیر نقل کرده که گفت: ابن عباس مطلع شد جمعی به بدگویی علی علیه السلام مشغولند. به فرزند خود (علی بن عبدالله) گفت: «دستم را بگیر و مرا به مجمع آنها ببر.» فرزندش اطاعت کرد. وقتی به آنها رسید گفت: «کدام یک از شما داشت به خدا ناسزا می گفت؟» همه با تعجب گفتند: «سبحان الله! کسی که به خدا ناسزا بگوید مشرک است.» پس پرسید: «کدام فرد از شما داشت به رسول خدا صلی الله علیه وآله ناسزا می گفت؟» باز گفتند: «این چه حرفی است هر کس رسول ناسزا بگوید کفر ورزیده است.» پس از آن گفت: «کدام یک شما علی را دشنام می داد؟» گفتند: «این را گفتیم.» ابن عباس به آنان گفت: گواه باشید از رسول اکرم صلی الله علیه وآله شنیدم فرمود: «هر کس علی را ناسزا گوید به من دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد به خدا ناسزا گفته و هر کس به خدا ناسزا بگوید خدا وی را با صورت در آتش سرنگون خواهد فرمود.» این مطلب را محب الدین طبری در الریاض النضرة، ۳:۱۲۲، و متقی هندی در کنز العمال ۶۰۲:۱۱/۳/۳۲۹۰ نقل نموده اند.

۵۱- نام علی علیه السلام بر سر در بهشت

عن جابر بن عبدالله: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَكْتُوبٌ عَلَيَّ بِبَابِ الْجَنَّةِ [لا- إلهَ إلَّا اللهُ]، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ، عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُوْلِ اللهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ [اللهُ] السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَيْ عَامٍ.

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

بر سر در بهشت نوشته شد: [خدایی جز الله نیست] محمد فرستاده خداست، و علی برادر فرستاده خداست و پیش از دوهزار سال از آنکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند. (۱)

ص: ۸۷

۱- الفردوس، ۶۳۸۰/۴:۱۲۳ و ۳۱۹۵/۲:۲۵۷؛ کنز العمال / ۳۶۴۳۵؛ توضیح الدلائل، ۲۰۸؛ حلیه الاولیاء، ۷:۲۵۱؛ تاریخ بغداد، ۳۸۷/۷. ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که حضرت فرمود: «شبی که به معراج برده شدم، مشاهده کردم بر سر در بهشت نگاشته شده: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده پروردگارت و علی حبیب او و حسن و حسین برگزیده اش، و فاطمه، منتخبش، و لعنت حق نثار دشمنانشان.» تاریخ بغداد، ۱:۲۰۹؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۴:۳۲۲؛ المناقب خوارزمی، ۲۹۷/۳۰۲؛ و در مجمع الزوائد، ۱۱/۹ چنین آمده است: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد فرستاده خدا و علی برادر پیامبر است دوهزار سال قبل از آفریدن آفرینش.

۵۲- علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است

عن حذیفه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَثَلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ.

از حذیفه نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَثَلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي بَيْنِ مَرَدَمِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ [\(۱\)](#).

ص: ۸۸

۵۳- نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است

عن عائشه و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبی ذر و جابر و أنس و عمران بن الحصین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.

از عایشه و ابوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و ابی ذر و جابر و انس و عمران بن حصین روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نگاه کردن به سیمای علی عبادت است. (۱)

ص: ۸۹

۱- الفردوس، ۶۸۶۵/۴:۲۹۴ و ۶۸۶۶؛ النهایه ابن اثیر ۵:۷۷ (ماده: نظر). ابن اثیر در این کتاب حدیث را چنین ترجمه کرده است: هر گاه علی در جمع مردم ظاهر می شد مردم شگفت زده می گفتند لا اله الا الله، چه رخسار نیکو و نورانی دارد. و لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دانا است، لا اله الا الله چه مقدار این جوان مرد گرامی و بزرگوار است. یعنی چقدر پروا پیشه است، لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دلاور است، از این رو این دیدار مردم را به زبان راندن کلمه توحید وا می داشت. نیز رجوع کنید به حلیه الاولیاء، ۱۸۳/۲۶ و ۵:۸۵؛ مجمع الزوائد، ۹:۱۱۹؛ تاریخ بغداد، ۲:۵۱ از ابوهریره نقل کرده گفت: دیدم معاذ بن جبل نگاه کردن به رخسار علی بن ابی طالب را ادامه می دهد، در یکی از اوقات به او گفتم: سبب چیست نگاهت را به سیمای علی طولانی می کنی و چنان نگاهش می کنی که گویی تا به حال او را ندیده ای؟ او حدیث یاد شده را خواند. این حدیث را ابن مردویه طبق نقل سیوطی که در اللالی المصنوعه، ۱:۳۴۵ آورده، روایت کرده است و حاکم در المستدرک، ۳:۱۴۱ و خوارزمی در المناقب، ۶۷۳۳۷۵/۳۶۱؛ و ابن مغزلی در المناقب: ۲۵۴/۲۱۱ و ۲۴۵/۲۰۶ و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ۱۷۲ و ابن حجر در الاصابه ۴:۴۰۳ در ترجمه لیلی غفاریه، و ابو نعیم اصفهانی در الحلیه، ۲:۱۸۲ و ابن کثیر در البدایه و النهایه، ۷:۳۵۸؛ الصواعق، ۱۰۸ این روایت را کرده که بسیاری از صحابیان نقل کرده اند که برخی از آنها سند نقل را به ۱۲ تن از صحابه منتهی کرده اند. مجمع الزوائد، ۹:۱۱۹ باب نگاه افکندن به سیمای علی. در این کتاب مؤلف از طلیق بن محمد روایت کرده که گفت: عمران بن حصین را دیدم دقیق به سیمای علی می نگرند در این خصوص از او سؤال شد. گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «نظر به رخسار علی عبادت است.»

عن أنس بن مالك: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

هَبَطَ عَلَيَّ الْمَلِكَانِ لَمْ يَهْبِطَا مُنْذُ كَانَتْ الْأَرْضُ، فَبَشَّرَانِي أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا.

انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

دو ملک بر من نازل شدند که از آغاز آفرینش زمین تا آن زمان، فرود نیامده بودند. آن دو به من بشارت دادند که حسن و حسین سرور و آقای بهشتیان اند. من افزودم: «پدرشان از آن، بهتر است.»^(۱)

ص: ۹۱

۱- الفردوس، ۳۴۳/۴:۶۹۹۳؛ کنز العمال، ۳۴۲۹۳؛ زهر الفردوس، ۴:۱۳۴.

عن علی علیه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنَصَبَ الصُّرَاطَ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ مَا جَاذَهَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

از علی علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

چون خداوند، اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع آورد و صراط را بر روی پل دوزخ؛ نصب کند، احدی از آن عبور نکند مگر کسی که سند رهایی از آتش به واسطه ولایت علی بن ابی طالب را در دست داشته باشد. (۱)

ص: ۹۲

۱- جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام از باعونی شافعی، ۱:۸۸؛ اخبار اصبهان، از ابو نعیم اصفهانی، ۱:۳۴۱ حدیث را ابو الخیر طالقانی در باب ۲۶، ح ۳۳ از کتابش الأربعین الممتقی که در مجله وزین تراثنا، ش ۱، ص ۱۱۹ منتشر شده، آورده است. ابن مغزلی در المناقب، ۱۵۳/۱۱۹ از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز رستاخیز علی علیه السلام مشرف بر حوض کوثر ایستاده است. احدی به بهشت در نیاید جز آنکه پروانه ای از علی بن ابی طالب با او باشد.» نیز این مطلب را از انس در حدیث، ۲۸۹ ص ۲۴۲ نقل کرده است. برای این حدیث منابع فراوانی وجود دارد که آنها را در فرائد السمطین، ۲۸۹:۲۲۸/۱؛ غایه المرام، ۲۶۲؛ الریاض النضره، ۲:۱۲۲؛ ذخائر العقبی، ص ۷۱، می توان دید.

۵۶- اسلام و ایمان علی علیه السلام

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا عَلِيُّ، أَنْتَ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا، وَ أَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! تو اولین فردی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین فرد از مؤمنان می باشی. (۱)

ص: ۹۴

۱- الفردوس، ۳۱۵: ۵/ ۸۲۹۹. ابن عساکر از حبه بن جویین عربی نقل کرده، که گفت: شنیدم علی بن ابی طالب می گوید: نخستین کس هستم که به رسول خدا صلی الله علیه وآله گروید یا با او نماز گزارد تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۸۵/۵۸/۱. و مفاد حدیث یاد شده به تواتر ثابت است.

لَمَّا قَتَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أُحُدٍ أَصْحَابَ الْأَلْوِيَةِ، قَالَ جِبْرِئِيلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُوَسَاةُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ. قَالَ جِبْرِئِيلُ: وَ أَنَا مِنْكُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

هنگامی که علی در جنگ احد پرچمداران سپاه کفر را به قتل رساند، جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گفت:

حقاً این است معنای مواسات. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آخر او از من است و من از اویم.» جبرئیل علیه السلام گفت: «من هم از شمایم ای رسول خدا.»^(۱)

ص: ۹۵

۱- کنز العمال، ج ۱۳، از طبرانی از مسند رافع بن خدیج، ح ۳۶۴۴۹.

عن بریده: قال:

أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نُسَلِّمَ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِ «إِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ».

از بریده نقل است که گفت:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به ما امر کرد به علی به عنوان فرمانده اهل ایمان و امیر مؤمنان سلام کنیم. (۱)

ص: ۹۶

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۷۸۴/۲:۲۵۹. از سالم غلام حذیفه نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امر کرد تا به علی بن ابی طالب این گونه سلام دهیم. «یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته». مناقب سیدنا علی از عینی، چاپ هند، حیدرآباد، ۱۳۵۲ هـ ۱۸. و در صفحه ۶۱ آن از انس نقل روایت شده که انس گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «ای انس! اولین شخصی که از این در بر تو درآید امیر مؤمنان و آقا و سرور مسلمانان و خاتم وصیین است.» این مطلب را ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲، ص ۷۸۳/۲۵۹ در ضمن حدیثی از انس چنین نقل کرده: «ای انس! نخستین کسی که از این در درآید امیر مؤمنان و پیشوای نامی روسپیدان، و سرور مؤمنان علی است.» نیز رجوع کنید به المناقب خوارزمی، ۳۲۹/۳۲۲. تفتازانی در شرح المقاصد (۵:۲۵۹) المبحث الرابع من الفصل الرابع این گونه آورده: قول پیامبر صلی الله علیه وآله که فرمود: «سَلِّمُوا عَلَيْهِ (یعنی بر علی) بامر المؤمنین.»

۵۹- دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله است

عن سلمان الفارسی: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

يا عَلِيُّ، مُجِبُّكَ مُجِيبِي، وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي.

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! محب تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من خواهد بود. (۱)

ص: ۹۷

۱- الفردوس، ۳۱۶:۵/۴؛ ۸۳۰۴؛ کشف الخفاء، ۵۳۷:۲.

۶۰- دور ساختن منافقان از حوض کوثر

عن أبي سعيد: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، مَعَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَصًا مِنْ عَصِيِّ الْجَنَّةِ تَدُوُّ بِهَا الْمُنَافِقِينَ عَنْ حَوْضِي.

ابو سعید گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! در رستاخیز عصایی از عصاهای بهشتی در اختیار داری که به وسیله آن منافقان را از حوض خواهی راند. (۱)

ص: ۹۸

۱- الفردوس، ۳۱۷:۵/۸۳۰؛ مجمع الزوائد، ۹:۱۳۵؛ المعجم الصغير/ ۱۰۱۴ و طبرانی در المعجم الاوسط (۷۱:۶/۵۱۴۹) از عبدالله بن اجاره بن قیس نقل کرده که گفت: شنیدم علی بر فراز منبر می گفت: «با دستان کوتاه خویش کفار و منافقان را از حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله دور می سازم آنسان که آب دهندگان شتر (ساربانان)، شترهای بیگانه را از حوض هایشان دور می کنند.» و در المعجم الكبير (۳۱۹:۱/۹۴۸) از ابو رافع نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تو و پیروانت بر من در کنار حوض کوثر وارد می شوید در حالی که از آب حوض سیراب گشته اید و رخسارتان سفیداست. اما دشمنانت با چهره ای کریه و قبیح المنظر و لب تشنه بر من وارد خواهند شد.» و در المعجم الكبير: ۳۱۹/۹۴۸ از ابو رافع نقل شده که نبی مکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو و پیروانت در حالی بر من در کنار حوض در آید که از آب بهره ور شده و سیراب گشته اید و رویتان سپید است. اما دشمنانت در حالی بر من وارد آیند که تشنه کام و سیمایشان زشت و بدمنظر است.» نیز رجوع شود به: مجمع الزوائد، ۱۳۱:۹/۸۳۱۰؛ کنز العمال، ۱۵۷:۱۳/۳۶۸۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ج ۱، ح ۳۲۹؛ جواهر المطالب از باعونی، ۷۵:۱/۲۳۳.

۶۱- راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صِدَاقَهَا الْأَرْضَ، فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ يَمْشَى حَرَامًا.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

یا علی! به درستی که خداوند با عزّ و جلال فاطمه را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه او قرار داد؛ پس هر کسی که روی زمین راه برود در حالی که دشمن تو باشد و بغض تو را داشته باشد این راه رفتن او حرام است. (۱)

ص: ۱۰۰

۶۲- هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام

عن أبي بكر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَيُقَدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَمُحِبِّي وُلْدِهِ.

از ابوبکر نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا خدا از نور علی بن ابی طالب فرشتگانی آفرید که خداوند را تسبیح گویند و تقدیس نمایند و ثواب آن را برای دوستان علی و دوستان فرزندانش ثبت و ضبط کنند. (۱)

ص: ۱۰۱

۱- مقتل الحسين عليه السلام خوارزمی، ۹۷:۱؛ فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابن عقده، ۲۸/۳۲ خوارزمی مانند آن را از عمر بن خطاب نقل کرده است. (المناقب، ۳۴۸/۳۲۹).

۶۳- آزردهن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

عن عمر بن الخطاب: قال: كُنْتُ أَجْفُو عَلِيًّا، فَلَقِنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ:

إِنَّكَ آذَيْتَنِي يَا عُمَرُ!

فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّنْ أَدَى رَسُولَهُ!

قَالَ: إِنَّكَ قَدْ آذَيْتَ عَلِيًّا، وَمَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: همواره به علی جفا و اذیت روا می داشتم. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مرا دید و فرمود:

ای عمر! مرا آزار دادی.

گفتم: به خدا پناهنده می شوم از کسی که رسولش را بیازارد.

فرمود: تو علی را اذیت کردی و هر کس علی را آزرده و اذیت کند، در حقیقت مرا اذیت نموده است. (۱)

ص: ۱۰۲

۱- مناقب ابن مردویه، ۶۶/۸۱؛ الأنباء المستطابه از ابن سید الکل: ۶۴؛ التدوین فی اخبار قزوین، از رافعی، ۳: ۳۸۹. و از حسین بن علی علیهما السلام نقل است که پدرم (علی بن ابی طالب) در حالی که با دست، یک تار موی او را گرفته بود، این حدیث را برایم ذکر کرد که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که با دست یک تار موی او را گرفت فرمود: «هر کس به یک تار موی آزار رساند، مرا آزرده است. هر کس مرا آزرده باشد، در حقیقت خدا را آزرده، و هر کس خدا را آزار دهد خدا به حجم زمین و آسمان به او لعنت فرستد.» توضیح الدلائل، شهاب الدین ایچی، ۱۹۳.

۶۴- همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید

عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ الشَّارِعَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَتَرْكِ بَابِ عَلِيٍّ (قال الهيثمي: رواه أحمد و أبو يعلى و البزار و الطبراني في الأوسط، و زاد قالوا: يا رسول الله، سَدَدْتُ أَبْوَابَنَا كُلَّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ؟ قَالَ:

ما أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَدَّهَا.

سعد بن مالک گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان داد تمام درهای خانه هایی را که به داخل مسجد، باز می شد ببندیم و در خانه علی را وا نهاد.

هیثمی می نویسد: این حقیقت را احمد، و ابویعلی، بزار و طبرانی در الأوسط روایت کرده اند و افزوده که ایشان گفتند: ای رسول خدا! درهای ما را بستی و در خانه علی علیه السلام را وا نهادی. حضرت فرمود:

درهای شما را من نبستم، خداوند آنها را بست. (۱)

ص: ۱۰۴

۱- مجمع الزوائد، ۹: ۱۱۴ باب فتح بابہ فی المسجد. گفتنی است که حدیث فتح باب و سدّ ابواب، حدیثی مشهور و ثابت است.

۶۵- پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر دو سرا

عن جابر، قال: قالوا: يا رسول الله! مَنْ يَحْمِلُ رَأْيَتَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ:

مَنْ يَحْسُنُ أَنْ يَحْمِلَهَا إِلَّا مَنْ حَمَلَهَا فِي الدُّنْيَا؟: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از جابر روایت است که گفت: اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آن کس که پرچم شما را در روز قیامت حمل خواهد کرد کیست؟

حضرت فرمود: چه فردی جز همان که آن را در دنیا در دست داشت، شایستگی حمل آن را خواهد داشت؟ (علی بن ابی طالب) (۱)

ص: ۱۰۵

۱- المعجم الكبير طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۶؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ج ۱، ح ۲۰۹؛ جواهر المطالب، ۱، ۱۸۲. از انس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکتوب برائت از مشرکان مکه را در اختیار ابوبکر گذاشت و او را به طرف مکه اعزام کرد. چندی بعد او را باز خواند و فرمود: «شایسته نیست این نامه را برساند مگر مردی از وابستگان نزدیک من.» آن گاه علی را فرا خواند و نامه یاد شده را به او سپرد تا به مکه ببرد. الدر المنثور، ۳: ۲۰۹؛ فتح القدير ۲: ۳۳۴. و نزدیک به این مضمون در کنز العمال، ۲: ۴۲۲ و از ابن عباس نقل شد، که گفت: «علی حامل علم رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و کلیه نبردها بود.» جواهر المطالب، ۱: ۱۸۹. نیز نک: الطبقات ابن سعد، ۳: ۱۴. و از ابن عباس نقل است که گفت: دست علی در نبرد احد، آسیب دید و پرچم از دستش به زمین افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیرق را در دست چپ او بگذارید زیرا او در هر دو جهان پرچمدار من است.» الرياض النضرة، ۲: ۱۳۸؛ جواهر المطالب، ۱: ۱۹۰.

۶۶- قاتل علی علیه السلام، تیره بخت ترین امت

عن جابر بن عبدالله، قال: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ أَشَقَى الثَّمُودِ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ النَّاقَةَ. قَالَ: فَمَنْ أَشَقَى هَذِهِ الْأُمَّةِ؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَاتِلُكَ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

می دانی تیره بخت ترین کسی که در قوم ثمود بود کیست؟ گفت: آنکه پای ناقه صالح علیه السلام را قطع کرد. حضرت پرسید تیره بخت ترین امت من کیست؟ گفت: الله اعلم (خدا داناتر است) فرمود: کسی که تو را به قتل می رساند. (۱)

ص: ۱۰۷

۱- المعجم الكبير طبرانی، ج ۲، ح ۲۰۳۷. و نیز از عمّار نقل است که گفت: من و علی بن ابی طالب در غزوه ذی العشیره با یکدیگر رفیق و همسنگر بودیم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا با دو تن از بدبخت ترین مردم شما را آشنا سازم؟» گفتم: «آری.» فرمود: «(مردک سرخ روی) کودن قوم ثمود همان که ناقه صالح را پی کرد. و ای علی! دومی کسی است که ضربتی بر فرق سر تو می زند که تا محاسنت به خون، رنگین می شود.» الجامع الكبير، ۲۵۵: ۱۶/۷۸۶۴؛ کنز العمال، ۱۴۰: ۱۳/۳۶۴۴۲، مجمع الزوائد، ۹: ۱۳۶. به نقل از ابن سمره. نیز مراجعه شود: به المناقب خوارزمی ۴۰۲/۳۸۷؛ البدایه و النهایه، ۷، ص ۳۲۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۴۰۱/۲: ۳۵۱.

[توضیح: قوم ثمود افرادی سرکش و مغرور بودند؛ پیامبر آنها حضرت صالح علیه السلام هر چه آنها را نصیحت کرد، اثر نبخشید. از آن حضرت معجزه خواستند او به اذن خدا در دل کوه ناقه ای (شتر ماده ای) بیرون آورد؛ آنها به جای اینکه معجزه الهی را بپذیرند، آن ناقه را پی کردند و کشتند، آنها برای پی کردن و کشتن ناقه، فردی شقاوت‌مند و بی رحم به نام «قدار بن سالف» را بدین کار گماشتند و او با یک ضربت شمشیر، شتر را پی کرد، و به عنوان «شقی ترین فرد گذشتگان» لقب گرفت و سه روز پس از این ماجرا، بر اثر عذاب الهی، به هلاکت رسیدند.]

شرح در تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۶۱ و ۶۲، الگوی آسمانی، ص ۳۵؛ معارف و معاریف، ج ۳، ص ۱۳۸۳.]

ص: ۱۰۸

عن عمّار بن یاسر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدَ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ تُزَيَّنِ الْعِبَادُ بِزِينَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهَا، هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا، فَجَعَلَكَ لَا تَزْرَأُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً وَلَا تَزْرَأُ الدُّنْيَا مِنْكَ شَيْئاً وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، فَجَعَلَكَ تَرْضَى بِهِمْ أَتْبَاعاً، وَ يَرْضُونَ بِكَ إِمَاماً.

از عمّار بن یاسر روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! خدای متعال تو را به زینتی آراسته است که هیچ بنده ای به زیوری چنین مزین نگشته و خدا آن را بیش از هر زینت دیگری دوست دارد و آن زهد در دنیا است که زینت نیکوکاران در نزد خدای با عزت و جلال است.

پس تو را طوری قرار داده که نه از دنیا دست تو را می گیرد و نه دنیا چیزی از تو به دست می آورد. خدا در وجود تو علاقه به مساکین را عطا کرد، پس تو را طوری قرار داده که راضی شدی که رهبر آنها باشی

۱- حلیه الاولیاء، ۱: ۷۱؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۲: ۲۱۲؛ مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۸/۱۰۵ و دراسد الغابه ۴: ۱۳؛ مانند آن ثبت شده است. و نزدیک به این مضمون در الفردوس، ۳۱۹: ۵/۸۳۱۱ و جمع الجوامع، ۹۶۸: ۱ آمده است. طبرانی در المعجم الاوسط (۲۱۷۸/۳: ۸۹۹۰) از عمّار بن یاسر نقل کرده که گفت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم به علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال تو را به زیوری آراسته است که هیچ یک از بندگان را به زیوری مانند آن، نیاراسته. خداوند متعال دوستی بینویان و در کنار آنان بودن را مورد علاقه تو قرار داده و تو را به پیشوایی آنان برگزیده که تو به آنان خشنودی و برای پیروانی در نظر گرفته که آنان به پیشوایی تو خرسندند. پس خوشا بر آنان که تو را دوست بدارند و تو را می پذیرند و وای بر آنهایی که با تو دشمنی ورزند.» و خوارزمی در المناقب (۱۲۸/۱۱۷) از عمر بن عبد العزیز نقل کرده که گفت: «بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امت آن حضرت کسی را زاهدتر از علی بن ابی طالب سراغ نداریم.» نیز نک: تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۳: ۲۵۲. و در خصوص مصادیق زهد ایشان نک: همان کتاب، ۲۳۹: ۳/۲۵۶ و ۱۴۲/۲۳۲ و ۱۲۳۸/۲۳۰ و سایر کتاب ها.

عن أبي هريره و جابر بن عبدالله، قالاً: قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبُ حَوْضِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از ابو هريره و جابر بن عبدالله نقل شده است كه گفتند: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

در روز قيامت صاحب حوض من على بن ابى طالب خواهد بود. (۱)

ص: ۱۱۱

۱- . المعجم الأوسط الطبرانی، ۱/۱۵۲/۱۶۲؛ كنوز الحقائق، ۲، ص ۱۷.

عن أنس، عن رسول الله صلى الله عليه وآله:

صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَبْعَ سِتِّينَ، وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ تُزَفَّعْ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ إِلَّا مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ.

انس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی بن ابیطالب درود می فرستادند. و این در زمانی بود که هنوز شعار توحید و کلمه لا اله الا الله جز از من و علی به آسمان بر نمی خاست. (۱)

ص: ۱۱۲

۱- مناقب خوازمی، ۱۸/۵۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۱۴/۲۱:۸۱. و در کتاب مناقب آل ابی طالب، ۲۹۱/۱ از ابوذر نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «فرشتگان الهی هفت سال بود که بر من و علی درود نثار می کردند قبل از آن که فردی به اسلام گرویده باشد.» و از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اولین مردی که با من نماز گزارد علی بود.» الفردوس، ۳۹/۱:۲۷؛ کنز العمال، ۳۹۹۲؛ الخصائص نسائی، ۱۶. و در کتاب اسد الغابه، ۴:۱۸ از ابو ایوب انصاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «در حقیقت ملائکه هفت سال بر من و علی درود و صلوات فرستادند زیرا که از مردان جز او همراه من کسی نماز نگزارده بود.» [تعبیر «رجل» در روایت قابل تأمل است گویا از ابتدای اسلام علی تا زمانی که بر او اطلاق رجل شده یعنی پانزده سالگی، غیر از او احدی مسلمان نشده است. نیز نک: شرح سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۵ و ۲۵۸].

۷۰- علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عبدالله بن عمر. قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی برادر من است در این جهان و سرای دیگر. (۱)

ص: ۱۱۴

۱- ترمذی در سنن، ۶۳۶: ۵/۷۳۲۰ از ابن عمر روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله میان اصحابش پیمان برادری بست (علی در این موقع تنها ماند) در این لحظه با دیدگان اشک آلود حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: «یا نبی الله! بین ملازمان و همراهانتان پیوند اخوت ایجاد کردی ولی میان من و کسی پیوند برادری برقرار نفرمودی.» حضرت فرمود: «تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی.» حاکم در مستدرک، ۱۴: ۳ و سیوطی در الجامع الصغیر، ح ۵۵۸۹. و در کتاب مناقب سیدنا علی علیه السلام از زید بن ارقم نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر و رفیق منی.» و در فردوس الاخبار، ۱۵: ۴۱۸۲/۳ از آن سرور صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «علی برادر و عموزاده من است.» ابن عساکر از عباس روایت آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین برادرانم علی، بهترین عموهام حمزه است.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱: ۱۳۸ و رجوع شود به مجمع الزوائد، ۱۱۱/۹ باب منزلته و مؤاخاته. گفتنی است که حدیث مؤاخات از احادیث مشهور بین فریقین است. و ایجاد پیوند برادری بیش از یک نوبت انجام شده است. در حدیث دیگر از مسند زید بن ابی اوفی در باب مؤاخات چنین آمده است: وقتی علی علیه السلام از تأخیر پیوند برادری اش شکوه کرد، نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود [پیمان] تو را به عقب نینداختم مگر برای این که تو را برادر خود کنم. تو برادر منی و نسبت به من چون هارون نسبت به موسایی با این فرق که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی.» علی گفت: «از تو چه چیزی به ارث می برم یا رسول الله؟» فرمود: «آنچه را پیامبران پیش از من ارث گذاشتند.» پرسید: «انبیای پیشین چه چیزی به ارث گذاشتند؟» فرمود: «کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو با منی در قصرم در بهشت با دخترم فاطمه و تو برادر و رفیق منی.» این حدیث را احمد در کتاب مناقب علی آورده. کنز العمال، ۱۰۶ ۱۰۵: ۱۳ ح ۳۶۳۴۵. می گویم: چه قدر شایسته است که دوستدار علی علیه السلام به هنگام ذکر احادیث «پیوند برادری» که روایاتش متواتر است به ترنم این اشعار که منسوب به امیر مؤمنان علیه السلام است پردازد. ترجمه اشعار طبق نقل کنز العمال، ۱۱۲: ۱۳ چنین است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله برادر و پدر خانم من است و حمزه سید الشهداء عمویم می باشد.» و جعفر طیار که (در بهشت) بامداد و شامگاه همراه فرشتگان پرواز می کند برادر من است. و فاطمه دخت محمد صلی الله علیه و آله همسر و آرام جان من است که گوشتش با گوشت و خونم در آمیخته است. و نواده های پیامبر صلی الله علیه و آله (حسنین علیهما السلام) دو فرزند من از فاطمه اند، چه کسی از شما را نصیبی همچون نصیب من هست؟ بر تمام شما در ایمان به خدا و پیامبر پیشتازم در حالی که هنوز خرد بودم و به مرز بلوغ جسمی نرسیده بودم.

۷۱- برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَخِي وَوَزِيرِي، وَخَيْرٌ مَنْ أَتَرَكَ بَعْدِي، يَفْضِي دِينِي، وَ يُنْجِزُ وَعْدِي عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

برادر و وزیر، و بهترین شخصی که بعد از خود می گذارم و دین مرا تأدیه کرده و وعده هایم را عملی می سازد، علی بن ابی طالب است. (۱)

ص: ۱۱۶

۱- المواقف فی علم الکلام نوشته ایجی، ۴۰۹ و در ص ۲۵ آن از نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. و از بریده همان طور که در منابع آتی نیز خواهد آمد نقل است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر پیامبر، وصی و وارثی بود و علی وصی و وارث من است.» الفردوس، ۳۳۶:۳/۵۰۹؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۵:۳/۱۰۲۱ و ۱۰۲۲؛ مناقب خوارزمی، ۷۴/۸۴؛ المناقب ابن مغزلی ۲۳۸/۲۰۰؛ فتح الباری، ۱۵۰/۸. و در کتاب مناقب سیدنا علی ۲۹ به نقل از ربیعہ آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «تو برادر و همراه و وصی منی.» و از سلمان نقل است: عرض کردم: «ای رسول خدا! برای هر پیامبری وصی ای بود، وصی شما کیست؟» حضرت جواب مرا نداد. روز بعد که مرا دید فرمود: «یا سلمان! با عجله خود را به حضرت رساندم و عرض کردم: «بلی.» حضرت فرمود: «می دانی وصی موسی که بود؟» گفتم: «آری، یوشع بن نون.» پرسید: «چرا او وصی موسی بود؟» عرض کردم: «چون در آن روزگار داناترین آنان بود.» فرمود: «وصی و محل راز من و بهتر فردی که پس از خود می گذارم که وعده های مرا وفا می کند و دین مرا می پردازد علی بن ابی طالب است.» المعجم الکبیر: ۶۰۶۳/۲۲۱؛ مجمع الزوائد، ۹:۱۱۳. و نیز رجوع شود به المناقب خوارزمی، ۳۸/۶۷؛ کتر العمال، ۳۲۹۵۶/۱۳:۶۱۱؛ مناقب سیدنا علی، ۳۹.

عن عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ كَقَوْلِهِ: شَنِدِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُودُ:

علی با حق است و حق با علی است؛ این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در رستاخیز در کنار حوض کوثر بر من در آیند. (۱)

ص: ۱۱۸

۱- المعیار و الموازنه اسکافی، ۱۱۹. و در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۵۳: ۱۱۷۲/۳ از ابو ثابت غلام ابوذر نقل شده که گفت: روزی نزد امّ سلمه رفتم دیدم علی را یاد کرده می گریست و می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «علی با حق و حق با علی است و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در قیامت در کنار حوض بر من وارد آیند.» از عبدالرحمن بن سعید نقل است که گفت: ما به اتفاق گروهی از مهاجران در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم که علی از آنجا گذشت. پیامبر فرمود: «حق با این است.» این سخن را هیشمی در مجمع الزوائد، ۷: ۲۳۴ و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۳: ۱۱۷۱/۳ نقل کرده اند: و از ابو موسی اشعری نقل است که رسول اعظم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو با حقی و حق با تو است.» به روایت جناب عینی در مناقب سیدنا علی، ۲۹ و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ۲۴/۱۸. مانند این کلام از عایشه در کتاب مناقب سیدنا علی، ۱۵، نقل شده است. و در مجمع الزوائد، ۹: ۱۳۴ هیشمی از امّ سلمه نقل کرده که او هماره می گفت: «علی بر محور حق بود، هر کسی که از او تابعیت نمود، از حق پیروی نمود و کسی که او را رها ساخت، حق را رها کرد. این میثاقی است که پیش از این گرفته شده است.» نیز نک: الامامه و السیاسه از دینوری، ۱: ۷۸؛ صحیح ترمذی، ۱۳۳: ۵/۳۱۱۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ۳: ۱۲۴؛ مجمع الزوائد، ۷: ۲۳۳.

عن علی علیه السلام:

بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِي، وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سَكَكِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْتَنَا عَلِيٌّ حَدِيثَهُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَ نَهْجَ مَنْ حَدِيثَهُ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِأُخْرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيثِهِ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَدَائِقَ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَيَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا.

فَلَمَّا خَالَاهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِئًا. [قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: ضَعَائِقُنِي فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبْدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي].

قال: قلت: يا رسول الله، في سلامه من ديني؟

قال: في سلامه من دينك.

علی علیه السلام می گوید:

روزی به اتفاق رسول خدا در حالی که دست مرا در

دست خود داشت در بعضی از کوچه های مدینه می رفتیم. از کنار باغی گذشتیم. عرضه داشتیم یا رسول الله! این باغ چه زیبا است! فرمود: باغی که در بهشت برای تو مهیا شده از این زیباتر است. سپس قدم زنان به باغ دیگری رسیدیم، گفتم: ای پیامبر خدا، صلی الله علیه و آله این باغ نیز زیبا است!

فرمود: باغ تو در بهشت زیباتر از آن است.

تا اینکه از هفت باغ گذشتیم در همه آنها من همان سخن پیشین را و آن حضرت همان پاسخ را تکرار کردیم. هنگامی که به پایان راه رسیدیم پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در آغوش گرفت و سخت بگریست.

عرضه داشتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چرا می گریی؟

فرمود: از کینه هایی که در سینه گروهی علیه تو نهفته شده و آشکار نمی کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند.

پرسیدم: آیا من بر سلامت دینم خواهم بود؟

فرمود: بله در سلامت دینت می مانی. (۱)

ص: ۱۲۱

۱- مسند ابی یعلی، ۵۶۱/۱:۲۸۵؛ تاریخ بغداد، ۱۲:۳۹۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۸۲۷۸۳۱/۲:۳۲۱؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، ۲، ص ۱۱۰۲/۶۵۲.

۷۴- پدرم فدای شهید تنها!

عن عائشه: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّرَمَّ عَلِيًّا وَ قَبَّلَهُ وَ يَقُولُ:

بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ، بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ.

از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که علی را به خود چسبانده و می بوسید و می فرمود:

پدرم فدای آن شهید تنها باد، پدرم فدای شهید تنها. (۱)

ص: ۱۲۲

۱- مسند ابی یعلی، ۳۱۸:۴/۴۵۵۸؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۸۵:۳/۱۳۷۶.

۷۵- هم درجه پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله أخذ بيد حسن و حسین فقال:

مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّ هَذَيْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از علی علیه السلام روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود:

هر کس مرا و این دو نفر و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در روز قیامت با من در یک رتبه خواهد بود. (۱)

[توضیح: این بدان جهت است که هر کس مردمی را دوست داشته باشد با آنها محشور می شود.]

ص: ۱۲۳

۱- سنن ترمذی، ۶۴۱:۵/۳۷۷۳۳؛ مسند احمد بن حنبل، ۱۶۸:۱/۵۷۶؛ فضائل الصحابه، ۹۶۴:۲/۱۱۸۵؛ تاریخ بغداد، ۲۸۷:۱۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۹۵/۵۲ و ۹۶؛ اسد الغابه، ۲۹:۴.

۷۶- پرسش در قیامت

عن أبي برزة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبَدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ:

عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أُبْلِغَهُ، وَعُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟

فَضَرَبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ابن برزہ روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هیچ بنده ای [روز قیامت] گام از گام بر نمی دارد تا از چهار چیز بازخواست شود: از جسدش که در چه راهی آن را فرسوده، از عمرش که آن را در چه راهی صرف نموده، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی با ما اهل بیت [که در دل پرورده یا نه؟]

سؤال شد: ای رسول خدا! نشانه دوستی با شما [پس از شما] چیست؟

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دست خود را بر شانه علی علیه السلام [که کنارش ایستاده بود] زد. (۱)

ص: ۱۲۵

۱- المعجم الاوسط، ۳۴۸: ۲/۲۱۹۱؛ المناقب خوارزمی، ۵۹/۷۷؛ مجمع الزوائد، ۲۴۶/۱۰.

۷۷- دوست علی علیه السلام مؤمن و دشمنش منافق است

عن أبي ذر: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ، وَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَ لَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَ لَوْ نَثَرْتَ الدَّنَائِرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحْبَبَكَ. يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ.

از ابوذر روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

خداوند به دوستی تو از مؤمنان پیمان گرفته و نیز بر دشمنی تو از منافقان پیمان گرفته و اگر تو (با شمشیرت) بر بینی مؤمنی ضربه وارد کنی تو را دشمن نخواهد داشت و دل آزرده نخواهد شد. و چنانچه دینارها را به پای منافق بریزی تو را دوست نخواهد داشت.

ص: ۱۲۶

ای علی! تو را دوست نمی دارد مگر مؤمن (به خدا و رسول) و با تو دشمنی نمی کند مگر دورو و منافق. (۱)

ص: ۱۲۷

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۶۹۵/۲:۲۰۴. و از عمران بن حصین نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «دوستی تو را جز مؤمن بر نمی گزینند و جز منافق، دشمنی تو را به دل ندارد.» المعجم الاوسط طبرانی، ۴۱۵۱/۴:۲۶۴. و از ام سلمه نقل شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی دارد و منافق هرگز دوستدار تو نخواهد شد.» مسند ابن حنبل، ۱۷۶:۱۰/۲۶۵۶۹؛ سنن ترمذی، ۳۷۱۷/۵:۶۳۵؛ البدایه و النهایه، ۷:۳۵۵؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۹۹/۲:۲۰۸. و از ابو سعید خدری نقل شده که گفت: «ما گروه انصار همواره منافقان را به دشمنی آنها نسبت به علی بن ابی طالب می شناختیم.» سنن ترمذی، ۳۷۱۷/۵:۶۳۵؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۷۱۸/۲:۲۲۰؛ تاریخ الخلفاء، ۲۰۲؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، ۱۰۸۶/۲:۶۳۹. از ابن مسعود نقل است که گفت: شنیدم نبی مکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «کسی که گمان کرده است به من و آنچه آورده ام ایمان آورده در حالی که با علی دشمنی می کند، دروغگو و مؤمن نیست.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۷۱۲/۲:۲۱۰. نیز مراجعه شود به کتب: صحیح مسلم، ۷۸/۱:۸۶؛ صحیح ترمذی، ۳۷۳۶/۵:۶۴۳؛ سنن ابن ماجه، ۱۱۴/۱:۴۲؛ مسند ابن حنبل، ۱:۸۴ و ۷۳۱/۲۰۴؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، ۹۴۸/۲:۵۶۴؛ سنن نسائی، ۱۱۷/۸؛ تاریخ بغداد، ۲:۲۵۵ و ۱۴؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۶۸۳/۲:۱۹۱ و ۹۱/۱:۶۳.

۷۸- به دوستی علی علیه السلام فرزندان را بشناسید

قال رسول الله صلى الله عليه وآله - في صفة علي عليه السلام -:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ائْتَحِنُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يَبْعِدُ عَنْ هُدًى، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَهُوَ لَيْسَ مِنْكُمْ.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در صفت علی علیه السلام فرمود:

ای مردم! فرزندان را به دوستی علی علیه السلام آزمایش کنید، زیرا علی به گمراهی نمی خواند، و کسی را از هدایت دور نمی نماید، هر فرزندی او را دوست داشت از شماسست (حلال زاده است) و هر فرزندی او را دشمن داشت، از آن شما نیست (نامشروع است).^(۱)

ص: ۱۲۸

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۷۳۰/۲:۲۲۵. از محبوب بن ابی الزناد نقل است که گفت: انصار گفتند: ما فرزندان نامشروع را به سبب دشمنی با علی بن ابیطالب داشتند می شناختیم. تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۷۲۹/۲:۲۲۴ و ۷۲۸؛ و به سند دیگر در ح ۷۳۷. و از شافعی نقل است که گفت: شنیدم مالک بن انس گفت: «ما میزانی برای شناخت فرزندان نامشروع جز بغض و دشمنی آنان با علی بن ابی طالب در دست نداشتیم.» مناقب علی بن ابی طالب، ابن مردویه، ۵۷/۷۶. و انس گوید: «پس از جنگ خیبر، عادت چنان شده بود که مرد، فرزند خود را به دوش می گرفت و سر راه علی می ایستاد، چون چشمش به آن حضرت می افتاد صورتش را به سوی علی می نمود و با انگشت به سوی او اشاره می کرد و به فرزند خود می گفت: «فرزندم! آیا این مرد که می آید دوست داری؟» اگر کودک می گفت آری، او را در بر می گرفت و می بوسید، و اگر می گفت: نه، او را بر زمین گذاشته و می گفت: برو به (قوم) مادرت پیوند. من فرزندی که علی را دوست ندارد نمی خواهم.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۸۳۷/۲:۲۲۴.

قال الإمام الحسن عليه السلام:

أَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَا أُدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟

قالوا: بلى يا رسول الله. قال: هذا عليٌّ، فأجبهوه بحبي وكرموه لكرامتي، فإن جبرئيلَ عليهِ السَّلامُ أمرني بالذي قلتُ لكم عن الله عزَّ وجلَّ.

امام حسن عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیکی به سوی انصار فرستاد و آنان را فرا خواند، انصار اجابت کردند. حضرت به آنان فرمود:

ای گروه انصار! آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آنان چنگ زدید، هرگز گمراه نشوید؟

گفتند: یا رسول الله بفرمایید.

فرمود: این شخص علی (بن ابی طالب) است، او را به سبب محبت و دوستی با من، دوست بدارید و او

را به گرامیداشت من، گرامی بدارید؛ زیرا این گفته را خدای عزوجل به من فرمان داد تا به شما بگویم. (۱)

ص: ۱۳۱

۱- المعجم، ۸۸: ۳/۲۷۴۹؛ حلیه الاولیاء، ۱، ص ۶۳. زید بن ارقم، گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «آیا شما را راهنمایی کنم بر چیزی که اگر درباره آن پرسش کنید به هلاکت نمی افتید؟ همانا ولی شما خدا است و امامتان علی بن ابی طالب، پس بر این خیرخواهی کنید و تصدیقش نمایید که جبرئیل چنین فرمانی برایم آورد.» شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۹۸: ۳؛ مناقب ابن مردویه، ۱۴۷/۱۲۰.

عن أنس بن مالك و برده:

قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ: (فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ)، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتِ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
قَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ.

فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ - لَبِيتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ - قَالَ: نَعَمْ مِنْ (أَفْضَلِهَا).

از انس بن مالک و بریده نقل شده است که گفتند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه شریفه (فی بیوت اذن الله ان ترفع [توبه/ ۳۶]) را در جمع یاران تلاوت فرمود، یکی از آن میان برخاست و گفت: کدامین خانه ها مورد نظر است یا رسول الله؟ حضرت پاسخ داد: خانه های انبیاء الهی.

ابوبکر برخاست و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد و گفت: ای رسول خدا! آیا این خانه هم شامل این بیوت می باشد؟

حضرت جواب فرمود: بلی این خانه جزء

۱- الدر المنثور ۶:۲۰۳؛ شواهد التنزیل، ۵۳۴:۵۶۸/۱ و در مناقب ابن مردویه ۹۸/۹۹ مردی از ابن عمر تقاضا کرد برایش از علی بن ابی طالب گوید: او گفت: «می خواهی موقعیت و منزلتش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه وآله بدانی؟ به خانه اش بنگر که وسط خانه های پیامبر صلی الله علیه وآله واقع شده است.» و نسایی در الخصائص، ۱۰۷/۲۰۴ از سعد بن عبیده نقل کرده که گفت: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسش کرد. وی در پاسخ گفت: «درباره علی از من سؤال نکن، به خانه اش بنگر که نسبت به بیوت پیامبر صلی الله علیه وآله چه موقعیتی دارد.»

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَسِيْرُ كُنَّ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي فَلْيُوَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَلْيُوَالِ وَلِيَّيْهِ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَثَمَةِ مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ عَثْرَتِي، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي، رَزَقُوا فَهْمًا وَ عِلْمًا، وَ وَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي، لَا أَنَا لَهُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که بدین دلشاد است که چون من زیست کند، و چون من بمیرد، و در بهشت عدن که پروردگار درختان آن را غرس کرده است جای گیرد، بایستی بعد از من از علی هواداری کند و هوادار هواداران او باشد، و از امامان پس از من پیروی کند؛ زیرا آنان عترت من هستند، از سرشت من آفریده شده اند و فهم و علم روزی آنان ساخته اند. پس بدا بر تکذیب کنندگان از امت من که پیوند مرا درباره آنان بگسلد، خداوند شفاعت مرا شامل حالشان نگرداند. (۱)

ص: ۱۳۴

۱- حلیه الاولیاء، ۱: ۸۶؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۵۹۶/۲: ۹۵؛ کنز العمال، ۲۱۷/۶؛ منتخب کنز العمال (چاپ شده در حاشیه المسند، ۹۴۵) و غیر آن مثل فرائد السمطین، کفایه الطالب؛ مسند احمد، مناقب علی علیه السلام و.... نک: کتاب دیگر ما به نام امان الأمة من الضلال و الاختلاف و در کنز العمال نیز مانند آن از زیاد بن مطرف، ۵۵/۶ نقل شده است.

عن أمير المؤمنين عليه السلام:

جاء سَيْهَيْلُ بْنُ عَمْرٍو إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّهُ قَدْ خَرَجَ إِلَيْكَ أَنَاسٌ مِنْ أَرْقَائِنَا لَيْسَ بِهِمْ لِلدِّينِ تَعَبُدًا فَارْزُدْهُمْ عَلَيْنَا. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ: صِدْقٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَنْ تَنْتَهُوا يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ رَجُلًا مَنَى اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَضْرِبُ رِقَابَكُمْ عَلَى الدِّينِ وَأَنْتُمْ مُتَّجِفُونَ عَنْهُ اجْفَالَ النَّعَمِ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: لا.

قال عُمَرُ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: لا، وَ لِكَئْفِهِ خَاصِصُ النَّعْلِ.

قال: وَ كَانَ فِي كَفِّ عِلِّيٍّ نَعْلٌ يَخْصِفُهَا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

سهیل بن عمرو [همراه عده ای از قریشیان مکه] نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

یا محمد! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما نزد تو آمده اند. آنان نه به دلیل علاقه به دین و نه برای فهم واندیشه آمده اند (به عبارت دیگر) نسبت به دین، هیچ التزام و تعبدی ندارند آنان را به سوی ما بازگردان.

ابوبکر و عمر بر سخنان او صحه گذاشتند اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه قریش! شما هرگز به اصلاح نمی رسید تا آن که کسی را به سویتان گسیل دارم که خداوند، دلش را به ایمان آزموده است تا شما را بر اساس آموزه های دینی گردن زند و شما همچون شتر مرغ سرکش از او فرار می کنید و طغیان می ورزید.

ابوبکر گفت: آیا آن مرد که می گوید منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: خیر.

عمر گفت: آن کس منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: آن مرد همان اصلاح کننده کفش است.

سهیل بن عمر گوید: در دست علی کفش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که آن را وصله می کرد. (۱)

ص: ۱۳۷

۱- تاریخ بغداد، ۱:۱۳۳ و ۸:۴۳۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۳۶۶:۲/۸۷۳؛ خصائص علی علیه السلام از

قال أبو سعيد الخدري: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله تعالى: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؟ قال:

ذاك أخي علي بن أبي طالب.

از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: من درباره آیه شریفه (و من عنده علم الكتاب) (و کسی که علم کتاب نزد اوست) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سؤال کردم، حضرت فرمود:

آن شخص برادرم علی بن ابی طالب است. (۱)

ص: ۱۳۸

۱- شواهد التنزیل، ۴۰۰/۱/۴۲۲. نیز رجوع کنید: توضیح الدلائل، ۱۶۱؛ تفسیر القرآن قرطبی، ۹:۲۳۶.

عن حمید بن عبدالله بن یزید المدنی: ذکر عند النبی صلی الله علیه وآله قضاء قضی به علی بن ابی طالب، فأعجب النبی صلی الله علیه وآله، فقال:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِيْنَا الْحِكْمَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ.

از حمید بن عبدالله بن یزید مدنی روایت شده: علی قضاوتی کرده بود و در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله سخن از آن قضاوت رفت، رسول اکرم صلی الله علیه وآله بسیار خوشحال شد و فرمود:

حمد و سپاس ویژه خداوندی است که حکمت را در ما خاندان قرار داد. (۱)

ص: ۱۳۹

۱- فضائل الصحابه احمد بن حنبل، ۶۵۴:۲/۱۱۱۳. و در روایت دیگری فرمود: «سپاس خداوندی را که در بین اهل بیت کسی را قرار داد که به طریقه داود علیه السلام به قضاوت می پردازد.» مناقب ابن مردویه، ۹۰/۹۲. نیز رجوع شود: المسند، حمیدی، ۴۰۶/۱۵:۶۳۶؛ الجامع الكبير، ۷۸۵/۲:۳۴۵.

۸۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله در مبارزه است با دشمن علیعلیه السلام

عن أبي هريره: نظر النبي صلى الله عليه وآله إلى علي و حسن و حسين و فاطمه عليهم السلام، فقال:

أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَكُمْ.

از ابوهریره روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام - که بر آنان درود خدا باد - نگریست و فرمود:

من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد و آشتی هستم با هر که با شما در صلح و سلامت باشد. (۱)

ص: ۱۴۰

۱- مسند احمد بن حنبل، ۴۴۶:۳/۹۷۰۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۶۱:۳/۴۷۳ و ۴۷۱۴؛ تاریخ بغداد، ۱۳۷:۷؛ المعجم الکبیر، ۴۰:۳/۲۶۲۱؛ البدایه و النهایه، ۳۶:۸. از زید بن ارقم نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیماری ای که به رحلتش منجر شد با مهربانی رو به سوی علی و فاطمه و حسن و حسین کرد و فرمود: «من در جنگم با کسی که با شما بجنگد، و صلح با کسی که با شما از در آشتی در آید.» تهذیب تاریخ دمشق، ۳۱۹. نیز رجوع فرمایید به: سنن ترمذی، ۶۹۹:۵/۳۸۷۰؛ سنن ابن ماجه: ۱۴۵/۵۲. از ابو سعید خدری نقل است که گفت: بعد از ازدواج علی با فاطمه، نبی مکرم صلی الله علیه و آله چهل روز صبحگاهان به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود: «من سرا پا جنگم با هر که با شما بجنگد و سرا پا دوستم با فردی که با شما دوستی نماید.» فضائل سیده النساء از ابو حفص عمر بن شاهین، ۲۹. و در کنز العمال از زید بن ارقم نقل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی و حسن و حسین فرمود: «من در نبردم با کسی که با شما بستیزد و در صلح و آشتی ام با کسی که با شما در صلح و صفا باشد.» متقی هندی این روایت را از شماری از کتاب های عامه نقل کرده است: ۶۴۰:۱۳/۳۷۶۱۸.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

شُرَكَائِي الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَبِي وَأُنزِلَ فِيهِمْ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» الْآيَةَ، فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعًا فِي أَمْرٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ، قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مَنْ هُمْ؟

قال: أَنْتَ أَوْ لَهُمْ.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نبی مکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

شرکای من آنان اند که پروردگار به خود و من، نزدیکشان ساخته و در خصوص ایشان این آیت را فرو فرستاده (ای ایمان آورندگان! از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا نیز فرمانبرداری نمایید) تا آخر آیه. پس اگر از درگیری و کشمکش بیمناک شدید آن را به خدا و رسول و اولوا الامر ارجاع دهید.

گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه وآله اولوا الامر کیان اند؟

۱- شواهد التنزیل، ۸۹: ۱/۲۰۲. می گویم: «ایشان نخستین امام از امامان دوازده گانه است و دومین آنها حسن و حسین تا امام دوازدهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد. ائمه دوازده گانه همانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه وآله در نصوص معتبر به امامتشان تصریح فرموده برای دریافت اطلاع گسترده به کتاب منتخب الاثر، ج ۱، مراجعه فرمایید.»

۸۷- وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعبد الرحمن بن عوف:

يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، أَنْتُمْ أَصِيحَابِي وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَهَيَّوْا بَابَ عِلْمِي وَ وَصِيَّتِي، وَ هَيَّوْا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هُمْ خَيْرُ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا.

از ابن عباس، روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبدالرحمن بن عوف فرمود:

ای عبدالرحمن! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی طالب از من است و و من از او هستم. او باب علم من و وصی من است. او و فاطمه و حسن و حسین بهترین اهل زمین هستند در اصالت و شرافت و کرامت. (۱)

ص: ۱۴۴

۱- ینابیع الموده، ۳۳۳/۲: ۹۷۳؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ۶۰: ۱.

عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

السَّبْقُ ثَلَاثَةٌ: السَّابِقُ إِلَى مُوسَى، يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ السَّابِقُ إِلَى عِيسَى، صَاحِبُ يَاسِينَ، وَ السَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

ابن عباس از رسول اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت فرمود:

سبقت جویان خلق [در ایمان به پیامبران] سه نفرند: کسی که به سوی موسی سبقت گرفت و او یوشع بن نون است. و پیشی گیرنده در امت عیسی صاحب یاسین است. و سبقت گیرنده در امت محمد صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب است.

[نکته ۱: مراد از سابقون، کسانی هستند که در پذیرش دین حق از دیگران پیشی گرفتند.

نکته ۲: مناوی گفته: راستی این چه فضیلت بزرگی برای علی علیه السلام است و چه بسیار صفات برجسته ای است که در او وجود داشت و دیگران از آن برخوردار نبودند. [۱]

ص: ۱۴۵

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خَيْرُ رِجَالِكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرُ شَبَابِكُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرُ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بهترین مردان شما علی بن ابی طالب، و بهترین جوانانتان حسن و حسین هستند، و بهترین بانوان شما دخت محمد عليهم السلام است. (۱)

ص: ۱۴۶

عن حذیفه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ.

از حذیفه نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی، برترین انسان است؛ هر که نپذیرد، کافر است. (۱)

ص: ۱۴۷

۱- تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۴۴۴:۲/۹۶۲/۹۶۳؛ کنز العمال، ۶۲۵:۱۱/۴۵/۳۳۰؛ و در الفردوس، ۳۱۷۵/۳:۶۲ چنین ثبت شده است: «علی بهترین انسان است هر کس در این شک نماید کافر است.» ابن عساکر از عطاء نقل کرده است که گفت: از عایشه درباره علی علیه السلام پرسیدم، او گفت: «او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر.» در همان منبع (تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۴۸۸:۲/۹۷۲) نیز مراجعه شود به موضح او هام الجمع و التفریق، ۳۹۴:۱. کنوز الحقائق، به نقل از ابو یعلی: «علی بهترین بشر است، کسی که در آن شک نماید کافر است» و در کفایه الطالب، اثر گنجی شافعی، ص ۱۱۹ از عطاء نقل است که از عایشه از علی پرسیدم، گفت: ذلک خیرا لبشر لا یشک فیہ الا کافر (او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر.) و محدث بزرگ و امین ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ساکن ری کتابی مستقل در این زمینه دارد به نام (نوادیر الاثر فی علی علیه السلام خیر البشر صلوات الله علیه) و در این کتاب نزدیک به هفتاد و پنج طریق برای این حدیث نوشته است.

عن سلمان الفارسی قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَوْ لَكُمْ وَارِدًا عَلَيَّ الْحَوْضَ أَوْ لَكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ.

از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اولین فردی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می شود نخستین کسی است که اسلام آورد و او علی بن ابی طالب است. (۱)

ص: ۱۴۸

۱- تاریخ بغداد، ۲: ۸۱؛ المناقب ابن مغزلی، ۲۲/۱۶؛ الفردوس، ۹۳/۴۱/۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ۴۶۶۲/۱۴۷/۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ۱۱۵/۱: ۸۲. و از عمر نقل شده که گفت من و ابو عبیده و ابوبکر و گروهی از انصار با یکدیگر بودیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله دست بر شانه علی زد و فرمود: «ای علی! تو نخستین گرونده ای که ایمان آورد و مسلم نخستی که اسلام را برگزید و تو نسبت به من منزلت هارون نسبت به موسی را داری.» مراجعه شود به جواهر المطالب اثر باعونی شافعی، ۱: ۳۷.

۹۲- هم نشینان پیامبر صلی الله علیه وآله در بهشت

عن ابن مردویه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى «الْوَسِيلَةَ» فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوا لِي الْوَسِيلَةَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ يَسْئَلُكَ مَعَكَ فِيهَا؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.

از ابن مردویه نقل است که گفت: نبی مکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

در بهشت درجه ای «وسيله» نام است. پس وقتی که از خداوند چیزی برای من می خواهید، «وسيله» را درخواست کنید.

افراد حاضر پرسیدند: چه کسی در جوار شما در آن درجه سکونت خواهد گزید؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین. (۱)

ص: ۱۴۹

۱- تفسیر ابن کثیر ۲: ۶۸؛ کنز العمال، ۱۰۳: ۱۲/۱۹۵، ۳۴۱ و ۶۳۹: ۱۳/۱۶۱۶؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ۶۷/۱۴۱، سیوطی در مسند علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱: ۳۵۰، مسند فاطمه سلام الله علیه، ۶۹؛ الجامع الکبیر ۳۰۵: ۱۶/۸۰۷۰ حدیث را روایت کرده. المناقب ابن مغزلی، ۲۹۵/۲۴۷.

۹۳- اطاعت علیعلیه السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَ مَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس از من پیروی نماید در حقیقت از خدا فرمانبری کرده است و هر کس نافرمانی من کند در واقع نافرمانی خدا کرده است و هر کس از علی اطاعت کند، در حقیقت از من پیروی کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. (۱)

ص: ۱۵۰

۱- المستدرک، ۳: ۱۲۱. حاکم نیشابوری می گوید: «این حدیث، سندش صحیح است و نویسنده کثر العمال از ابوذر چنین نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از تو جدا شود، از من جدا شده و هر کس از من جدا شود در حقیقت از خدا جدا شده است.» ۶۰: ۱۵۶.

عن سعد، سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي عليه السلام ثلاث خصال لأن يكون لي واحده منها أحب إلي من الدنيا وما فيها، سمعته يقول:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَأَعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ لَيْسَ بِفَرَارٍ. وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

از سعد نقل است که گفت:

سه جمله (خصلت) است که اگر یکی از آنها در من بود از دنیا و آنچه در آن است بیشترش ارج می نهادم.

شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله به علی می گوید:

منزلت تو به من همان منزلت هارون به موسی است با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوت نیست.

و شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود:

فردا بیرق جنگ را به کسی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند و هیچ گاه به دشمن پشت نمی کند و نمی گریزد.

و شنیدم فرمود:

هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست. (۱)

ص: ۱۵۲

۱- کتذ العمال ۱۳، ح ۳۶۵۹۵ به نقل از ابن جریر. نیز رجوع فرمایید به ح ۳۶۴۹۳ و ۳۶۴۹۶. می گویم: «این احادیث از روایات متواتر و قطعی الصدور است.»

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

جَمَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ امِّسَلَمَةَ، أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كِسَاءٍ لَهُ، وَأَدْخَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ ضَمَّنَا، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هؤُلاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَنَا؟ - وَدَنْتُ مِنْهُ - فَقَالَ: أَنْتِ مِمَّنْ أَنْتِ مِنْهُ، وَأَنْتِ عَلَيَّ خَيْرٌ. أَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ، ثَلَاثًا يَصْنَعُ ذَلِكَ.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله من و فاطمه و حسن و حسین را در بیت ام سلمه گرد آورد و زیر ردای خود رفت؛ ما را هم به زیر عبا برد و در آغوش خود جای داده آن گاه فرمود: خدایا! اهل بیت من اینها هستند؛ رجس و ناپاکی را از ایشان زائل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده.

ام سلمه گفت: یا نبی الله! پس من چه؟ - و او

نزدیک رسول اقدس صلی الله علیه وآله واقع شده بود.

پیامبر فرمود: تو از همانی که تو از آنی و تو در مسیر خیر هستی [اما از ما اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی]. رسول خدا این کار را سه بار تکرار نمود.^(۱)

ص: ۱۵۴

۱- شواهد التنزیل، ۵۲: ۶۷۲/۲؛ نیز رجوع فرمایید به المناقب ابن مغزلی، ۳۰۲/۳۴۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۸۸: ۴۸۰۲/۳؛ المناقب خوارزمی، ۳۲/۶۳؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، ۵۷۷: ۹۷۸/۲؛ مسند ابن حنبل، ۴۵: ۱۶۹۸۵/۶؛ المصنف از ابن ابی شیبہ، ۴۰/۷: ۵۰۱. سنن ترمذی، ۶۶۳: ۳۷۸۷/۵ و غیر آنها. احادیث این باب بسیار و در حد تواتر می باشد و در غیر مصادر یاد شده در مجامع روایی و تفاسیر و کتب تاریخی نقل شده است.

۹۶- علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

عن ابن عباس فی حدیث زواج فاطمه و علی علیهما السلام: ثم التزمهما [رسول الله صلی الله علیه وآله] فقال:

اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمَا، اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبَتْ عَنِّي الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهُمَا.

از ابن عباس در ضمن روایت ماجرای ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه وآله زوجین را در بغل گرفت و فرمود:

بار الها! این دو تن از من هستند و من از ایشان هستم همچنان که رجس و پلیدی را از من زدودی این دو را نیز پاک

گردان. (۱)

ص: ۱۵۵

۱- المعجم الكبير، ۱۳۴: ۳۱۲/۲۴، و ۴۱۲: ۱۰۲۲/۲۲؛ المصنف از عبدالرزاق، ۴۷۹ ۹۷۸۲/۵.

عن عمرو بن میمون: إني لجالس إلى ابن عباس إذ أتاه تسعه رهط فقالوا: يا ابن عباس، أما أن تقوم معنا و إما أن تخلو بنا من بين هؤلاء.

فقال ابن عباس: بل أنا أقوم معكم، و هو يومئذ صحيح قبل أن يعمى.

قال: فأبتدؤوا فتحدّثوا، فلا ندرى ما قالوا، قال: فجاء ينفض ثوبه و يقول: أفّ و تفّ! وقعوا في رجل له بضع عشرة فضائل ليست لأحد غيره، وقعوا في رجل قال له النبي صلى الله عليه وآله:

لَأَبْعَثَنَّ رَجُلًا لَا يُخْزِيهِ اللَّهُ أَبَدًا، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - إِلَى أَنْ قَالَ - : وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَوْبَهُ فَوَضَعَهُ عَلَى عَلِيٍّ وَ فاطمة وَ حَسَنِ وَ حُسَيْنٍ وَ قَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا».

عمرو بن میمون گوید: در حضور ابن عباس بودم که هفت تن (۱) نزد او آمدند و گفتند: یا قیام کن و از مجلس فاصله بگیر (تا در جای خلوت با هم گفتگو کنیم) یا از هم نشینان

ص: ۱۵۶

۱- ظاهراً متشکل از هفت طایفه بوده اند.

خود کناره گیر و با ما خلوت کن.

ابن عباس گفت: با شما هستم. (راوی گوید) وقوع این جریان در ایامی بود که ابن عباس هنوز نابینا نشده بود.

ابن میمون گوید: آنها به گوشه ای رفته و سخن آغاز کردند. ما نفهمیدیم چه سخنانی بین آنان رد و بدل شد. ابن عباس در حالی که ناراحت به نظر می رسید و جامه هایش را می تکاند می گفت: اف و تف بر شما! به مردی ناسزا می گویند که ده ها فضائل ویژه دارد. به شخصیتی بدبین اند و بدگویی می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله [در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند] درباره او فرمود:

کسی را برای مبارزه می فرستم که خداوند هرگز او را خوار و ذلیل نکرد؛ او دوستدار خداوند و رسول است تا جایی که ابن عباس گفت: رسول خدا جامه خویش را روی علی و فاطمه و حسن و حسین قرار داد و فرمود:

جز این نیست که خداوند اراده کرده تا آلودگی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک گرداند پاک گرداندی....(۱)

ص: ۱۵۷

۱- المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۳: ۴۶۵۲/۳؛ مسند احمد بن حنبل، ۷۰۸: ۳۰۶۲/۱؛ خصائص الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ۲۳/۷۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۸۵: ۲۵۰/۱.

۹۸- خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سعد بن أبي وقاص: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا، فَقَالَ:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.

از سعد بن ابی وقاص نقل است که: وقتی آیه «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم (یعنی بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما فرزندان خود را)» نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا زد و به درگاه الهی عرضه داشت:

بارالها! اینان اهل و خانواده من هستند. (۱)

ص: ۱۵۸

۱- صحیح مسلم، ۱۸۷۱/۴:۳۲؛ سنن ترمذی، ۲۲۵/۵:۲۹۹۹؛ مسند ابن حنبل، ۱۶۰۸/۱:۳۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ۱۶۳/۳:۴۷۱۹؛ السنن الکبری، ۱۰۱/۷:۱۳۳۹۲؛ الدر المنثور، ۲:۲۳۳؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۲۷۱/۱:۲۰۷. این حدیث از احادیث متواتر است.

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُذْنِيكَ وَلَا أَفْصِيكَ وَأَنْ أَعْلَمَكَ، وَأَنْ تَعِيَ وَحَقُّ لَكَ أَنْ تَعِيَ. قَالَ: فَتَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ».

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود:

خداوند مرا امر کرده که تو را نزدیک کنم و [از خود] دورت نسازم و این که بیاموزم تو را، و تو نیز فراگیری و سزاوار توست که بیاموزی و حفظ نمایی.

ایشان گفت: پس این آیه نازل شده (و تعیها اذن واعیه) (۱) و بدینسان اذن واعیه را گوش تو قرار داد. [۲]

ص: ۱۵۹

۱- الحاقه: ۱۲. و گوش های شنوا آن را نگهداری می کنند.

۲- حلیه الاولیاء، ۱: ۶۷؛ کنز العمال ۴۰۸: ۶/۶۱۶ و مانند آن در تفسیر طبری، ۳۵/۲۹. نیز الدرالمنثور، در تفسیر آیه ۱۲ الحاقه؛ اسباب النزول واحدی، ۳۲۹؛ المناقب ابن مغزلی، ص ۲۶۵، ح ۳۱۲ و ص ۳۱۹، ح ۳۶۴ و باب النقول، ۲۲۵. و رجوع شود به کشف و روح المعانی ۴۳: ۹، مجمع الزوائد، ۱: ۱۳۱؛ کنز العمال، ۶: ۳۹۸، ۴۰۸. برای دریافت اطلاع بیشتر نک: شواهد التنزیل

قال رسول الله صلى الله عليه وآله في مرض موته:

أَيُّهَا النَّاسُ يُوشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضاً سَرِيحاً فَيَنْطَلِقَ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعِيزَةً إِلَيْكُمْ: أَلَا إِنِّي مُخْلِفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلُهُمَا مَا خَلَفْتُ فِيهِمَا.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در مرض موتش فرمود:

ای مردم! احتمال دارد به زودی قبض روح شوم و مرا ببرند. من از این سخن در این حال به شما می گویم تا دیگر عذری نداشته باشید. آگاه باشید که من کتاب خدای با عزت و جلال و عترتم را جانشین خود در بین شما می گذارم. آن گاه دست علی را گرفته بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض بر من در آیند، آن گاه از آن

۱- الصواعق المحرقة، ص ۱۲۴. و در روایت دیگری که حاکم نیشابوری آن را به شرط شیخین صحیح دانسته مانند این روایت نقل شده است که در آن بعد از آن پیامبر فرموده: «اهل بیتی عترتی» سپس فرمود: «آیا می دانید من نسبت به مؤمنان از خود آنها شایسته ترم؟» و این سخن را سه بار تکرار کرد گفتند: «آری.» فرمود: «هر کس را که من اولای به نفس و مولایم علی مولای او است.» المستدرک، ۱۰۹/۳. و آنچه نسایی از زید بن ارقم صحابی نقل کرده این گونه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا مولا- و سرپرست من است و من اولای به نفس و مولای هر مؤمنم.» آن گاه دست علی را در دست گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای او بودم این ولی اوست. خداوندا کسی که پذیرای ولایت علی شد دوست بدار و با هر که با او خصومت داشت دشمن باش.» خصائص امیر المؤمنین علیه السلام از نسایی، ص ۲۱.

۱۰۱- امام علی علیه السلام بهترین امت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنْتَ خَيْرُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

تو بهترین امتم در هر دو سرا می باشی. (۱)

ص: ۱۶۲

۱- مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۲۸ به نقل از ابن مردویه. مناقب ابن مردویه، ۱۲۹/۱۱۱.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَخَذْتُ بِحُجْرَةِ اللَّهِ وَأَخَذْتُ أَنْتَ بِحُجْرَتِي. وَأَخَذَ وُلْدُكَ بِحُجْرَتِكَ، وَأَخَذْتُ شَيْعَةَ وُلْدِكَ بِحُجْرَتِهِمْ فَتَرَى
أَيْنَ يُؤْمَرُونَ.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

چون رستاخیز برپا شد به خدا متوسل خواهم شد و تو به من متوسل می شوی و فرزندان تو به تو متوسل می شوند و پیروان ذریه
ات به آنها متوسل می شوند و خواهی دید که ما را به کجا هدایت خواهند کرد. (۱)

ص: ۱۶۳

۱- اساس البلاغه از زمخشری، ۱۵۵ و مانندش در ربیع الابرار در باب خیر و صلاح و ذکر اخبار صلحا ثبت شده است و در
نظم درر السمطين، ص ۲۴۳ در حدیثی چنین است و امت خود را به چنگ زدن به اهل بیتش سفارش نمود، و توضیح داد که
خاندانش دامن پیامبران را (در رستاخیز) خواهند گرفت و....

عن جندب بن ناجیه (أو ناجیه بن جندب) لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَزْوَةِ الطَّائِفِ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلِيًّا ثُمَّ مَرَّ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ طَالَتْ مُنَاجَاتُكَ عَلِيًّا مُنْذُ الْيَوْمِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ.

از جندب بن ناجیه (یا ناجیه بن جندب) نقل است که: در روز جنگ طائف رسول خدا صلی الله علیه و آله مدتی با علی به راز سخن گفت و چون گفتگوها طولانی شد ابوبکر به حضرت گفت: ای رسول خدا! گفتمان و راز گویتان به درازا کشید. حضرت فرمود:

من با او راز نمی گفتم بلکه خداوند با او راز می گفت. (۱)

ص: ۱۶۴

۱- کنز العمال، ح ۳۶۴۳۸، ص ۱۳۹، ح ۱۳ به نقل از طبرانی. و ابن مغزلی در المناقب، ۱۶۴/۱۲۵ از جابر نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ طائف با علی در گوشی سخن گفت و این گفتگو به درازا کشید. یکی از آن دو مرد گفت: «جداً رازگویی درازی با پسرعممش داشت.» این کلام به آن حضرت رسید فرمود: «من با او راز نگفتم بلکه خدا بود که با او راز گفت.» و مانند این از انس نقل شده است. مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۳۴. نیز مراجعه فرمایید به سنن ترمذی، ۶۳۹/۵.

عن سلمان قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي.

از سلمان فارسی نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که به علی مهر بورزد و محبت کند چنان است که به من محبت ورزیده، و کسی که به او کینه توزی نماید در حقیقت با من دشمنی کرده است. (۱)

ص: ۱۶۵

۱- الجامع الصغير، ج ۲، ۱۶۰ به نقل از المستدرک (به طور صحیح). و در همان اثر ص ۱۷۳، ح ۲ چنین ثبت است: «هر که به علی ناسزا گوید به من ناسزا گفته و هر که به من ناسزا گوید در حقیقت به خدا ناسزا گفته است.» از احمد در المسند و حاکم نیشابوری در المستدرک (به طور صحیح). و در کتاب کنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۹۳ به نقل از طبرانی چنین آمده است. «یا علی، محب تو دوستدار من است و دشمن دشمن من خواهد بود.»

عن الحارث الأعور: أن النبي صلى الله عليه وآله قال:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَ يَحْيَى فِي زُهْدِهِ، وَ مُوسَى فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

از حارث اعور نقل است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس دوست می دارد که مشاهده کند علم آدم ابوالبشر را، و فهم نوح علیه السلام را و حلم ابراهیم علیه السلام را و زهد یحیی علیه السلام را و دلاوری موسی علیه السلام را، پس به سوی علی بن ابی طالب بنگرد. (۱)

ص: ۱۶۶

۱- مناقب سیدنا علی علیه السلام، ۴۹؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۸۱۱/۲: ۲۸۰؛ ذخائر العقبی ۹۳ به نقل از ابی حمراء؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۶۸/۹.

۱۰۶- جوان مردی جز علی علیه السلام نیست

عن جابر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله يوم بدر:

هَذَا رِضْوَانٌ، مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ يُنَادِي: لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ بدر(۱) فرمود:

این رضوان، یکی از فرشتگان خداست که از آسمان ندا می دهد: هیچ شمشیر (برنده ای) جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست.(۲)

ص: ۱۶۷

۱- [مطابق روایاتی که از طریق شیعه رسیده اند این ندا در غزوه احد بلند شد که شمشیر علی علیه السلام شکست و جبرئیل ذوالفقار را آورد و این ندا را هم سر داد.]

۲- المناقب خوارزمی، ۱۶۷/۲۰۰؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام)، ۱۵۸۱۹۷:۱. و ابن هشام در السیره النبویه، ۱۰۰:۲، ابن جوزی در تذکره الخواص، ۳۰. در این اثر روایت است که حسان بن ثابت (شاعر رسول خدا صلی الله علیه وآله) از حضرت، اجازه خواست در این خصوص شعری بسراید. ایشان اجازه فرمود و اشعاری سرود که ترجمه آن چنین است: «جبرئیل آشک -- ار ن -- دا داد، در حالی که خودش دیده نمی شد؛ و مسلمانان حلقه زده بودند، به گرد پیامبر فرستاده؛ شمشیری جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست»

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهَّدَ إِلَيَّ عَهْدًا فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: إِنَّهُ رَأَيْتُهُ الْهُدَى، وَ مَنْارُ الْإِيمَانِ وَ إِمَامُ أَوْ لِيائِي، وَ نُورُ جَمِيعِ مَنْ أَطَاعَنِي.

يا أبا بَرزَه، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِينِي غَدًا فِي الْقِيَامَةِ وَ صَاحِبُ رَأْيِي فِي الْقِيَامَةِ عَلَى مَفَاتِيحِ خَزَائِنِ رَحْمَةِ رَبِّي.

از انس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

پروردگار جهان درباره علی بن ابی طالب عهدی بسته است که او علم هدایت، منار ایمان و امام دوستان و پیروان من است. او روشنایی کسانی است که مرا اطاعت کنند.

ای ابو برزه! علی بن ابی طالب در روز رستاخیز امین من خواهد بود. و او در قیامت صاحب علم و پرچمدار من است [و امین] بر کلیدهای گنجینه های رحمت (۱) پروردگارم. (۲)

ص: ۱۶۸

۱- [در تاریخ بغداد، به جای «رحمت»، «جنت» آمده است]

۲- حلیه الاولیاء، ۱: ۶۶؛ المناقب خوارزمی، ۳۱۱/۳۱۱. نیز مراجعه شود به مناقب سیدنا علی علیه السلام، ص ۶۲.

عن حذیفه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

عَلِيٌّ أَمِيرُ الْبَرِّ، وَقَاتِلُ الْفَجْرِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ، أَلَا وَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَيَتَّبِعُهُ، أَلَا فَمِيلُوا مَعَهُ.

از حذیفه نقل است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

علی، فرمانروای نیکان، و کُشندهٔ بدان و پست فطرتان است؛ کسی که یاریش کند، پیروز و کسی که به او پشت کند و خوارش نماید مخذول و خوار خواهد شد به هوش باشید که حق با اوست و او را دنبال می کند. آگاه باشید که گرایش و حرکتان با محوریت او باشد. (۱)

ص: ۱۶۹

۱- المناقب خوارزمی، ۲۱۵/۱۷۷؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح ۵۵۹۱. حاکم در المستدرک، ۳:۱۲۹ از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته بود با صدای بلند فرمود: «این علی امیر ابرار، کُشنده فاجران است؛ کسی که به یاری اش برخیزد پیروز و کسی که او را خوار کند خوار خواهد شد.» و در الجامع الصغیر، ۲:۶۶ آمده است: «علی امام ابرار، قاتل تبهکاران است؛ کسی که به او کمک کند یاری می شود و هر کس او را سرافکنده کند، سرافکنده خواهد شد.» به نقل از حاکم (به عنوان حدیث حسن)

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّكَ سَتَقْدِمُ عَلَى اللَّهِ وَشِعْتِكَ رَاضِينَ مَرْضِينَ.

از ابن عباس نقل است که گفت: نبی مکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

تو در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد و شیعیانت خرسند (از پیشوایی ات) و مورد رضایت حق تعالی خواهند بود. (۱)

ص: ۱۷۰

قال ابن عباس كنتُ أنا و أبي العباسُ بنُ عبيدِ المطلبِ جالسينِ عندَ رسولِ الله صلى الله عليه وآله إذ دخلَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ فسَلَّمَ فرَدَّ عليه رسولُ الله صلى الله عليه وآله و بَشَّرَ به و قامَ إليه و اعتنقه و قَبَلَ بينَ عينيهِ و أجلسَهُ عن يمينِهِ.

فقال العباسُ: يا رسولَ الله، أتُحِبُّ هذا؟

فقال النبي صلى الله عليه وآله:

يا عمَّ رسولِ الله، والله لَلَّه أَشَدُّ حُبًّا لَه مِنِّي، إِنَّ اللهَ جَعَلَ ذُرِّيَّه كُلَّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا.

ابن عباس گفت: من و پدرم (عباس بن عبد المطلب) در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم در این هنگام علی بن ابی طالب وارد شد و سلام داد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جواب سلام با چهره ای گشاده در حالی که خوشحال به نظر می رسید برخاست؛ او را در بغل گرفت و پیشانی اش را بوسه داد و او را در طرف راست خود نشانید.

عباس (که ناظر جریان بود) گفت: ای رسول خدا! آیا او را دوست می داری؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمو جان! به خدا سوگند خدا او را از من بیشتر دوست دارد؛ خداوند نسل هر پیامبری را از پشت همان پیامبر قرار داد و نسل مرا در صلب این شخص نهاده است. (۱)

ص: ۱۷۲

۱- تاریخ بغداد، ۳۱۷ ۳۱۶: ۱ ح ۲۰۶. خطیب بغدادی این حدیث را از منصور از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن عبدالله از پدرش عبدالله بن عباس و از جابر این گونه روایت کرده است: «خداوند ذریه هر پیامبری را در پشت همان پیامبر قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب نهاده است.» الفردوس، ۱: ۱۷۲/۶۴۳؛ کنز العمال، ۳۲۸۹۲؛ امالی شجری، ۱: ۱۵۲. *** [سپاس بی کران خدای یگانه را که توفیق ترجمه این اثر ارزشمند را به بنده ناچیز ارزانی داشت. امید آن که خداوند به ما توفیق دهد که در مسیر زندگی خود همواره پیرو خاندان رسالت باشیم و آنان را اسوه و الگویی شایسته برای خود بدانیم. آل النبی ذریعتیو هم الیه وسیلتیارجوا بهم اعطی غدائیدی الیمین صحیفتی (ینابیع الموده، ص ۳۰۷) خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دست آویز من هستند و آنان وسیله (تقرّب) من به خدا هستند. آرزو می کنم به خاطر آنها، فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند. بفضله و کرمه]

۱. القرآن الکریم.

- الف -

۲. ارجح المطالب، عیدالله امرتسری.

۳. الاربعین المنتقی من مناقب المرتضی، رضی الدین ابو الخیر احمد بن اسماعیل طالقانی شافعی (م ۵۹۰ ق) (چاپ شده در مجله تراثنا، عدد اول، سال ۱۴۰۵ ق).

۴. أساس البلاغه، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (م ۵۳۸ ق).

۵. أسباب نزول القرآن، ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ ق).

۶. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر قرطبی مالکی (م ۳۶۳ ق)، (چاپ شده در حاشیه الاصابه).

۷. اسد الغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین علی بن ابی المکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی معروف به ابن اثیر جزری (م ۶۳۰ ق)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۸. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی شافعی (م ۸۱۲ ق)، قاهره: ۱۳۲۸ ق.

۹. الامالی الخمیسیه (امالی شجرى)، یحیی بن حسین شجرى (م ۴۹۹ ق).

۱۰. الانباء المستطابه، ابن سید الكل.

۱۱. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۹ ق).

١٢. البدايه و النهايه، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى (م ٧٧٤ ق).
١٣. تاريخ بغداد (مدينه السلام)، احمد بن على بن ثابت خطيب بغدادى (م ٤٦٣ ق).
١٤. تاريخ الخلفاء، جلال الدين عبد الرحمن سيوطى (م ٩١١ ق).
١٥. تاريخ مدينه دمشق (ترجمه الامام على عليه السلام)، ابوالقاسم على بن حسن بن هبه الله شافعى (ابن عساكر دمشقى).
١٦. تاريخ مدينه دمشق (ترجمه الامام الحسن عليه السلام)، ابن عساكر دمشقى، (م ٥٧١ ق).
١٧. التدوين فى أخبار قزوين، عبدالكريم بن محمد رافعى قزوينى (٦٢٣ ق).
١٨. تراثنا، مجله مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم
١٩. تفسير روح المعانى (تفسير آلوسى)، محمود بن عبدالله آلوسى (م ١٢٧٠ ق).
٢٠. تفسير طبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن)، ابوجعفر محمد بن جرير طبرى (م ٣١٠ ه ق).
٢١. تفسير قرطبى (الجامع لاحكام القرآن)، محمد بن احمد انصارى قرطبى (م ٦٧١ ق).
٢٢. تنزيه الشريعه المرفوعه عن الاحاديث الشنيعه الموضوعه، ابوالحسن على بن محمد ابن عراق الكنانى (م ٩٦٣ ق).
٢٣. تهذيب تاريخ دمشق (ابن عساكر)، عبدالقادر بدران (م ١٣٤٦ ق)
٢٤. توضيح الدلائل، شهاب الدين ايجى.

٢٥. الجامع الصغير، جلال الدين عبدالرحمن سيوطى (م ٩١١ ق).

٢٦. الجامع الكبير، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (م ٩١١ ق).

٢٧. جمع الجوامع، تاج الدين سبكي.

٢٨. جواهر المطالب في مناقب الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، (المناقب لابن الدمشقي)، محمد بن احمد دمشقي باعوني شافعي، (م ٨٧١ ق).

٢٩. حليه الاولياء و طبقات الأصفياء، ابو نعيم احمد بن عبدالله اصفهاني (م ٤٣٠ ه).

٣٠. خصائص الامام امير المؤمنين عليه السلام، احمد بن شعيب نسائي (م ٣٠٣ ق).

- د - ذ - ر - ز -

٣١. الدر المثور في التفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (م ٩١١ ق).

٣٢. ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، محب الدين احمد بن عبدالله طبرى، (م ٦٩٤ ق)، مصر: ١٣٥٢ ق.

٣٣. رشفه الصادى، ابوبكر حصرمى.

٣٤. الرياض النضرة في مناقب العشرة، محب الدين طبرى (م ٦٩٤ ق).

٣٥. زهر الرياض.

- س -

٣٦. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد بن ماجه قزويني (م ٢٧٥ ق).

٣٧. سنن الترمذى (الجامع الصحيح)، محمد بن عيسى بن سوره ترمذى، (م ٢٩٧ ق).

٣٨. سير اعلام النبلاء، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبى، (م ٧٤٨ ق).

٣٩. السيره النبويه، عبدالملك بن هشام بن ايوب حميرى، (م ٢١٨ ق).

ص: ١٧٥

- ش -

٤٠. شرح المقاصد، سعد الدين مسعود بن عمر تفتازانى شافعى (م ٧٩٣ ق).

٤١. شرح نهج البلاغه، عز الدين عبدالحميد بن محمد بن ابى الحديد معتزلى، (م ٦٥٦ ق).

٤٢. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حاكم حسانى: عبيد الله بن عبدالله بن احمد حنفى نيشابورى (قرن ٥).

- ص -

٤٣. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيثمى مكى (م ٩٧٤ ق).

- ط -

٤٤. طبقات الحنابلة، ابو الحسين محمد بن يعلى، (م ٥٢٧ ق).

٤٥. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد كاتب واقدى: (ابن سعد)، (م ٢٣٠ ق).

- ع - غ -

٤٦. عبقات الانوار، علامه مير حامد حسين نيشابورى لكنهورى (م ١٠٣٦ ق).

٤٧. العلل المتناهيه فى الاحاديث الواهيه، ابوالفرج عبدالرحمان بن على (ابن جوزى) (م ٥٩٧ ق).

٤٨. العلل الوارده فى الاحاديث النبويه، ابوالحسن على بن عمر دارقطنى (م ٣٨٥ ق).

٤٩. الغدير فى الكتاب و السنه و الأدب، عبدالحسين امينى (م ١٣٩٠ ق).

- ف - ق -

٥٠. فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، احمد بن على بن حجر عسقلانى (م ٨٥٢ ق).

ص: ١٧٦

٥١. فتح القدير، محمد بن علي بن محمد شوكانى (م ١٢٥٠ ق).

٥٢. فتح الملك العلى بصره حديث باب مدينه العلم على. احمد بن محمد بن الصديق الغمارى الحسنى.

٥٣. فرائد السمطين فى فضائل المرتضى والبتول والسبطين والائمة من ذريتهم عليهم السلام، ابراهيم بن محمد جوينى حموينى (م ٧٣٠ ق).

٥٤. فردوس الاخبار، شيرويه بن شهردار بن شيرويه ديلمى همدانى (م ٥٠٩ ق).

٥٥. فضائل امير المؤمنين عليه السلام، ابوالعباس احمد بن محمد كوفى (ابن عقده).

٥٦. فضائل الصحابه، احمد بن محمد بن حنبل شيبانى (م ٢٤١ ق).

٥٧. الفوائد المجموعه فى الأحاديث الموضوعه، محمد بن علي بن محمد شوكانى، (م ١٢٥٠ ق).

٥٨. فيض القدير، محمد عبدالرؤف مناوى (م ١٠٣١ ق).

٥٩. القول الجلى، ابن تيميه حرانى (م ٧٢٨ ق)

- ك -

٦٠. الكشاف، محمد بن عمر زمخشرى (م ٥٣٨ ق).

٦١. كشف الخفاء و مزيل الألباس عما اشتهر من الاحاديث على ألسنه الناس، اسماعيل بن محمد عجلونى (م ١١٦٢ ق).

٦٢. كفايه الطالب فى مناقب على بن ابى طالب عليه السلام، محمد بن يوسف بن محمد گنجى شافعى (م ٦٥٨ ق).

٦٣. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى (م ٩٧٥ ق).

٦٤. كنوز الحقائق فى احاديث خير الخلائق، عبدالرؤف مناوى (م ١٠٣١ ق).

ص: ١٧٧

٦٥. اللآلى المصنوعه فى الاحاديث الموضوعه، سيوطى (م ٩١١ ق).

٦٦. لسان الميزان، احمد بن على بن حجر عسقلانى (ابن حجر) (م ٨٠٧ ق)

٦٧. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، على بن ابوبكر هيثمى (م ٨١٧ ق)

٦٨. المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاكم نيشابورى (م ٤٠٧ ق)

٦٩. مسند على بن ابى طالب عليه السلام، سيوطى.

٧٠. مسند فاطمه سلام الله عليها، سيد حسين شيخ الاسلام تويسر كانى.

٧١. المسند، احمد بن محمد بن حنبل شيبانى (م ٢٤١ ق).

٧٢. المسند، ابن ابى حاكم.

٧٣. المسند، أبى يعلى موصلى احمد بن على بن مثنى تميمى (م ٣٠٧ ق).

٧٤. المصنف، ابوبكر عبدالله بن محمد ابن ابى شيبه كوفى (م ٢٣٥ ق)

٧٥. المصنف، ابوبكر عبدالرزاق بن همام صنعانى (م ٢١١ ق).

٧٦. المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانى (م ٣٦٠ ق)

٧٧. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى (م ٣٦٠ ق).

٧٨. معرفه الصحابه، ابونعيم احمد بن عبدالله اصفهانى (م ٤٣٠ ق).

٧٩. المعيار و الموازنه، محمد بن عبدالله معتزلى اسكافى (م ٢٤٠ ق).

٨٠. مقتل الحسين عليه السلام، موفق بن احمد مكى خوارزمى (م ٥٦٨ ق).

٨١. ملحقات احقاق الحق، آيت الله سيد شهاب الدين نجفى مرعشى رحمه الله عليه.

٨٢. مناقب الامام على بن ابي طالب عليه السلام، على بن محمد بن محمد واسطى ابن مغازلى شافعى (م ٤٨٢ ق).

٨٣. مناقب سيدنا علي عليه السلام، عيني.

٨٤. المواقف فى علم الكلام، قاضى عضدالدين ايجى.

٨٥. موضح أوهام الجمع و التفريق (ذيل التاريخ الكبير)، ابوبكر احمد بن على بن ثابت خطيب بغدادى (م ٤٦٣ ق).

٨٦. ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبى (م ٢٧٥ ق).

- ن -

٨٧. نظم درر السمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين، محمد بن يوسف بن حسن بن محمد زرندى حنفى مدنى (م ٧٥٠ ق).

٨٨. النهايه فى غريب الحديث و الاثر، ابن اثير مبارك بن محمد جزرى (م ٦٠٦ ق).

٨٩. نوادر الاثر فى على عليه السلام خير البشر، جعفر بن احمد بن على رازى (قرن ٤).

٩٠. نور البراهين؛ سيد نعمه الله موسى جزائرى (م ١١١٢ ق).

- ى -

٩١. ينابيع الموده لذوى القربى، سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى (م ١٢٩٤ ق).

ص: ١٧٩

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

